

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران
شماره ۱۳۱ / سال سیزدهم / اسفند ماه ۱۴۰۲ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



همه کارگران شاغل در شرکت نفت باید رسمی شوند!



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۳۱ / سال سیزدهم / اسفند ۱۴۰۲ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۰

اخبار بازنگستان ص ۲۹

نظریه البسم در همه زوایای زندگی! ص ۳۴

دستمزد کارگران و خرید پرسپولیس! ص ۳۵

عملکرد نمایندگان مجلس و کاندیدای کنونی! ص ۳۶

برخورد با کارگران پروژه ای در پتروشیمی صدف! ص ۳۷

هشدار باش به همه مردم ایران! ص ۳۹

نتایج دانشندان در خدمت سرمایه داری! ص ۳۹

چه کرده اید؟ ص ۴۰

وام ص ۴۲

بی خود و بی گناه ص ۴۵

شعر کارگر ص ۴۶

خاطرات یکی از مدیران مدرسه! ص ۴۷

آدم حسابی کیست؟ ص ۴۹

هنر کنشگری! ص ۵۰

به بهانه ی زادروز زاله آموزگار ص ۵۱

اتحاد عمل فراگیر، ضامن پیروزی و قدرتمندی است! ص ۵۳

چه کنیم شاداب و توانا بمانیم؟ ص ۵۳

نیروی حیات و "نیروی مرگ!" ص ۵۴

اجماع واشنگتنی چیست؟ ص ۵۵

شرایط نمایندگان مجلس سوئد ص ۵۶

عملکرد یکساله انجمن کنشگران سالمندی ص ۵۷



پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی سندیکا در تلگرام به آدرس: «کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران» مراجعه کنید.

نوروز همیشه پیروز، جاودان!

سالی که گذشت با کوشش و مبارزات ما چهره ای دیگر به میهن بلازده ما داد. سالی دیگر پیش روی ماست، که در امتداد مبارزات ما شکلی نوین به جامعه و جنبش کارگری خواهد داد. در سال گذشته فرا گرفتیم که اتحاد همچنان رمز پیروزی است و رقیب طبقه کارگر نه تنها از خمودگی و تفرقه ما بیشترین سود را برده بلکه بهتر تمایلات غیرانسانی خود را به جامعه تحمیل می کند. نئولیبرال های لانه کرده در اقتصاد، فرهنگ، سیاست و نظامی گری، نشان داده اند جز سود خود و نابودی و سرافکنده‌گی ایران در جهان، هیچ نمی خواهند و ابایی از این ندارند که جوانان کشور را چه با مواد مخدر، چه با بیکاری، چه با گلوله بسوی نیستی بفرستند.

برماست که اتحاد را بدیل تفرقه کنیم و از هر چه که به تفرقه دامن می زند بپرهیزیم.

برماست که آنچه را نئولیبرال های وطنی نمی پسندند در جامعه رواج دهیم. غم بزرگ را به کاری بزرگ، خمودگی را به بیکاری سهمگین، در خود فرو رفتگی را به تعاون و همدلی، سکوت را به گفتگو و خردجمعی تبدیل کنیم.

بالزاک نویسنده شهیر فرانسوی می گوید: «از تمام بذرهایی که بر زمین افشاند می شود، خون قربانیان ستم است که غنی ترین محصول را ببار می آورد»

ضمن گرامی داشت همه جانب‌اختگان راه آزادی و عدالت اجتماعی، در نوروز پیش رو با چهره ای خندان و امید به فردایی که با دستان ما بهروز خواهد شد، به پیشواز نوروز برویم.

چهره خندان تو/ تابشی از جان ماست/ جلوه بخش نو بهار/ جان نور افشان ماست/ ما که اهل کاریم/ بیم خود نداریم/ پس چه رو نکاریم/ عامل ای بر آریم/ فصل نو به نام ماست. **تحریریه ماهنامه پیام سندیکا اسفند ۱۴۰۲**

دزدی آشکار از جیب بازنشستگان!



ILNA

Iranian Labour News Agency

کانون عالی بازنشستگان طی پیامکی به بازنشستگان اطلاع داده است: «برای تقویت توان مالی بازنشستگان اقدام به ایجاد شرکت تعاونی برای اعطای تسهیلات بانکی ۱۵ میلیونی و خرید قسطی ۲ تا ۵ ساله با نرخ مصوب شورای پول و اعتبار محقق خواهد شد»

از ۲۰ اسفند مبلغ یک میلیون تومان از مستمری بازنشستگان در حال کسر شدن است. این دزدی آشکار به دلیل موارد زیر نقض اساسی حقوق بازنشستگان است:

- ۱- اساسنامه کانون عالی چنین حقی را برای این تشکل در نظر نگرفته است.
- ۲- این نظر خواهی می بایست حداقل ۲ ماه قبل از کسر از مستمری ها آن هم با رای اکثریت بازنشستگان، صورت می گرفت.

۳- کانون عالی در اولین گام برای اعتماد سازی باید ابتدا عملکرد مالی خود را منتشر کرده و در معرض دید عموم بازنشستگان قرار می داد تا بازنشستگان بدانند با اموال شأن این کانون چه کرده است

۴- سرنوشت اتحادیه امکان و فروش اموال آنان بدون رضایت و اطلاع آنان پیش روی ماست.

۵- وضعیت پرداخت وام های ۲۰ میلیونی که با طراحی و برنامه ریزی دانشمندان!!! کانون عالی انجام گرفته است و فقط به نوری چشمی ها اختصاص یافت و عموم بازنشستگان از این حق محرومند.

۶- وضعیت معیشتی و درمانی... بازنشستگان عیار خوبی برای تشخیص عملکرد اعضای نادان و مادام‌العمر کانون عالی است.

از همه بازنشستگان انتظار می‌رود با اطلاع‌رسانی به عموم بازنشستگان این توطئه و دزدی آشکار را عقیم گذاشته و مخالفت خود را اعلام کنند.

**سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران / بازنشستگان
سندیکای بافنده سوزنی / بازنشستگان فلزکار مکانیک /
بازنشستگان صنعت چاپ / بازنشستگان شهاب خودرو /
بازنشستگان مستقل گیلان / بازنشستگان مستقل رامهرمز /
بازنشستگان مستقل قزوین / بازنشستگان مستقل بابل**

۲۰ اسفند ۱۴۰۲

دشمن وطن نشدم

آلت دست اهرمن نشدم	خسته از راه خویشتن نشدم
دشمن خلق خویشتن نشدم	از ره جیره خواری و مدحت
بار بر دوش مرد و زن نشدم	دل نیستم به جاه و مال و منال
خلق را چون تو گورکن نشدم	برو ای جیره خوار تن پرور
هرگز، دشمن وطن نشدم	وطنم گرچه دوزخ است مرا
خسته از راه خویشتن نشدم	سرفرازم که در نشیب و فراز

علی جعفری (کارگر بازنشسته)

۸ مارس، روز جهانی زن شاد باش!

هر ساله همه آزادیخواهان به همراه زنان جهان ۸ مارس، روز جهانی زن را گرامی داشته و این روز را به روز مطالبه‌گری و افشای جنایات سیستم سرمایه‌داری در حق زنان جهان می‌کنند. ۸ مارس ۱۸۵۷ (۱۷ دیماه ۱۲۳۵) روزی است که زنان کارگر بافنده در نیویورک برای بهبود وضعیت کاری و معیشتی خود دست به اعتصاب زده و به شکلی خونین سرکوب شدند.

زنان از ابتدای خلقت همیشه مورد ظلم و نابرابری قرار گرفته‌اند و سیستم سرمایه‌داری با کالایی کردن زنان هویت زنانگی آنان را نیز می‌خواهد از بین ببرد. در میهن بلارده ما هیچ حکومتی رفتاری مناسب با زنان نداشته و با برپایی اقتدار مردسالاری فقط برای تثبیت نابرابری‌های اجتماعی کوشیده است. محروم کردن نیمی از جمعیت جامعه از فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی فقط برای گسست همبستگی علیه نابرابری‌هاست.

در یکسال اخیر زنان جامعه ما برای طرد این شیوه‌های غیرانسانی سرمایه‌داری، که حتی مردان جامعه را نیز از حقوق اجتماعی خود محروم می‌بیند، قدم‌های استواری برداشته و با تقدیم مهسا امینی و نیکا شاکرمی، در کنار خدانورلجه‌ای‌ها و محمد مهدی کرمی‌ها جنبش اجتماعی و آزادیخواهی را به مرحله بالاتری سوق داد. جنبش «زن زندگی آزادی» با دادن بیش از ۶۰۰ از جان گذشته دختر و پسر در راه آزادی که همچنان نیز ادامه دارد، سیستم سرمایه‌داری نئولیبرال کشور را با چالشی بزرگ روبرو ساخته است. جنبش آزادیخواهی با حرکت مدنی عدم شرکت در انتخابات ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ از خیزش فرزندان خود حمایتی قاطع نمود.

نمی‌توان زن بود و بیکاری پدر، برادر، همسر را ندید؟ نمی‌توان دختر بود و در مقابل نابرابری‌های اجتماعی در دانشگاه، محل کار، و حتا زندان‌ها سکوت کرد؟ نمی‌توان مادر بود و هدر رفتن عمر فرزندان را و شتک خون جوانان را ندید؟

سیستم سرمایه‌داری نئولیبرال اقتصاد ما را تک محصولی و وابسته به سرمایه‌داری جهانی می‌خواهد. صنعت، کشاورزی، دامداری و باغداری را نابود می‌خواهد تا دختران و پسران زحمتکش ما برده‌هایی ستمکش و خاموش باشند. سرمایه‌داری همه چیز را کالا و پول می‌بیند. زنان و دختران ما باید چه در دخمه‌هایی به نام کارگاه‌ها، چه در کارخانه‌ها و صنایعی چون سینما برای ثروتمندان پول ساز باشند و بدن آنان بازیچه‌ای برای پول پرستی باشد. برای بر هم زدن این سیستم غیرانسانی باید متحد بود و این نظم ظالمانه را برهم زد.

۸ مارس به مادران، همسران، خواهران، دختران زندانیان و جانب‌اختگان شادباش. به زنان خانه‌دار، کارگر، کشاورز، پرستار، وکیل، دانشجو، گل فروش، کارتن خواب، کارگران جنسی، پزشکان، مهندسين، آموزگاران شادباش. این روز به زنان مبارز در بندمان نیز گوارا.

دست در دست هم دهیم به مهر میهن خویش را کنیم آباد

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران / بازنشستگان سندیکای
 بافنده سوزنی / بازنشستگان فلزکارمکانیک / بازنشستگان صنعت
 چاپ / بازنشستگان شهاب خودرو / بازنشستگان مستقل گیلان /
 بازنشستگان مستقل رامهرمز / بازنشستگان مستقل بابل /
 بازنشستگان مستقل قزوین

هموطنان سیل زده بلوچ را یاری کنیم!



ادامه بارش باران در سیستان و بلوچستان مردم این مناطق را با بحرانی سخت روبرو ساخته است. در این میان سکوت معنادار رسانه های خبری به آلام این مردم افزوده است. به گفته نماینده مجلس چابهار ۱۵۰ روستا در بحران به سر می برند. همچنین رییس هلال احمر آقای بابک محمودی شهرهای خاش، سیب و سوران، فنوج، ایرانشهر، میرجاوه، نیکشهر، دلگان، چابهار، سراوان، زاهدان، نیمروز، سرباز، کنارک و مهرستان، شهرستان هایی هستند که نیازمند دریافت خدمات امدادی فوری هستند.

خواهران و برادران زحمتکش،

برای یاری رساندن به هموطنان بلوچ هر آنچه در توانمان است را مهیا کرده برایشان بفرستیم. از همه مردم ایران می خواهیم موارد زیر را از هر طریق به این هموطنان آسیب دیده برسانند:

چادر، پتو، کانکس، مواد غذایی، لباس رو و لباس زیر، لوازم بهداشتی، کفش، بطری های آب، کیسه های زباله و موارد دیگر.

از خواهران و برادران کارگرمایان در کارخانه بافت بلوچ می خواهیم سازمانگر این اقدام باشند و با اعلام نیاز هر مورد دیگری که در این اطلاعیه ناگفته مانده است، همه را در این خصوص بسیج کنیم .

از استان های همسایه به ویژه بوشهر و کارگران قهرمانش می خواهیم پیشگام این موضوع باشند.

خدا نورها چشم براه کمک های ما هستند به یاریشان بشتابیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران / بازنشستگان
 سندیکای بافنده سوزنی / بازنشستگان فلزکارمکانیک /
 بازنشستگان شهاب خودرو / بازنشستگان صنعت چاپ /
 بازنشستگان مستقل قزوین / بازنشستگان مستقل رامهرمز /
 بازنشستگان مستقل بابل / بازنشستگان مستقل گیلان

۱۴۰۲/۱۲/۱۲

ملت یکدل

اندک اندک ره به منزل می رسد کشته ها یکسر به حاصل می رسد
 بر مراد خویشتن در زندگی ملت خلاق و یکدل می رسد
 (علی جعفری مرندی)

زندانیان خود را دریابیم!

۱- منوچهر سراج کوشنده کارگری و عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، فردی خوشنام و شناخته شده در فیروزکوه است که در حال حاضر در حال سپری کردن زندان دوساله خود در زندان اوین است.

۲- مهدی توکلی عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و از رهبران کمپین افزایش دستمزد ۱۰/۲۰ در پروژه های نفت و گاز و زندانی در زندان شهرکرد که همچنان بلاتکلیف است.

۳- مصطفی زمانی کارگر جوشکار و از رهبران کمپین افزایش دستمزد ۱۰/۲۰ در پروژه های نفت و گاز که با وثیقه روز ۱۷ بهمن از زندان اصفهان آزاد شد.

۴- عباس دریس کارگر ماهشهری دارای سه فرزند و ۵۰ ساله است و از شاهدان وقایع نیزارهای ماهشهر در سال ۹۸ و محکوم به اعدام گردیده است.

همچنین داود رضوی، رضا شهابی، حسن سعیدی از اعضای سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد که در زندان به سر می برند که با بیماری های خود باید رنج زندان را نیز بکشند.

این کارگران برای بهبودی وضعیت زحمتکشان کوشیده اند و نباید در زندان بمانند. فعالیت سندیکایی، تلاش برای بهبود وضعیت زحمتکشان نه تنها جرم نیست بلکه افتخار است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران خواهان آزادی همه زندانیان کارگری، آموزگاران دربند، و فعالین مدنی و به ویژه سندیکالیست هاست.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۶ اسفند ۱۴۰۲

آزادی همه کارگران زندانی را خواستاریم!

به گزارش سندیکای برادر، سندیکای کارگران شرکت واحد حال آقای داود رضوی نگران کننده است. در اطلاعیه سندیکای برادر می خوانیم:

«براز نگرانی شدید سندیکای کارگران شرکت واحد از تشدید بیماری گوارش داود رضوی در زندان

با وجود گذشت بیش از پانصد روز از زندان داود رضوی، محبوس در زندان اوین، و علیرغم پیگیری های پزشکی در زندان و انجام آندوسکوپی از معده و تشخیص ورم معده از سوی پزشکان بیمارستان طالقانی، متأسفانه به دلیل عدم ادامه درمان پزشکی و عدم وجود شرایط پرهیز کامل تغذیه در زندان، بیماری گوارش این کارگر زندانی مجددا تشدید گردیده و مشکلات جسمانی جدی برای ایشان بوجود آورده است، بطوریکه فشار درد معده مرتبا به قلب این فعال سندیکایی فشار میآورد و این کارگر ۶۳ ساله زندانی بعد از هر وعده غذایی مرتبا در رنج و عذاب میباشد.

با توجه به شرایط حاد بیماری آقای رضوی در زندان، بی توجهی به درمان این کارگر زندانی می تواند خطرات جبران ناپذیری برای ایشان داشته باشد که هرگونه مسئولیت و عواقب ناشی از بی توجهی پزشکی برای زندانی متوجه زندانبان و قوه قضائیه میباشد. کارگر زندانی آزاد باید گردد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ۲۷ بهمن ۱۴۰۲»

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن حمایت از این اعلامیه خواستار آزادی فوری همه زندانیان کارگری است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۷ بهمن ۱۴۰۲

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱ - وظیفه مدیر عامل ذوب آهن چیست؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مهدی کوهی مدیر عامل ذوب آهن به مناسبت روز پاسدار به دیدار ۴ فرمانده لشگری و انتظامی اصفهان رفت. این در حالی است که مشکلات بسیار ساده کارگران حل نشده باقی مانده است. صندلی های مورد استفاده کارگران و کارکنان خراب و شکسته است و برنامه ای هم برای تعمیر و یا تعویض آنها نیست. در همین حال سهمیه لباس کار سال ۱۴۰۲ تراشکاران یکسال داده نشده و کارگران با لباس های پاره پشت دستگاه تراش می ایستند. همچنین سهمیه کفش کار کارگران و کارکنان تاکنون داده نشده است. بیمه تکمیل درمان کارگران نه تنها بسیاری از هزینه های کارگران را تامین نمی کند و از تیرماه تاکنون عقب افتاده، بلکه مفاد قرارداد بیمه تکمیلی توسط بیمه دانا رعایت نمی شود و مدیریت بر این همه کاستی و خلافکاری چشم فرو بسته است. آیا دیدار با فرماندهان مهم است یا رسیدگی به مشکلات کارگران؟

۲- مشاغل سخت و زیان آور نوب آهن!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اعضای کمیته بدوی مشاغل سخت و زیان آور شرکت ذوب آهن با حضور مدیران ذوب آهن، اول آذر از بخش های مختلف شرکت بازدید کردند. در این دیدار مدیران به کارگران گفتند: «در بررسی سخت و زیان آور بودن مشاغل، تفاوتی بین کارکنان خط تولید و نیروهای پیمانکاری نیست. لذا کارگرانی که در خط تولید با شرح وظایف مشخص مشغول به کار هستند در صورت تصویب از مزایای مشاغل سخت و زیان آور بهره مند خواهند شد» این کمیته از واحدهای آتش نشانی، کارگاههای نورد و کوره بلند شماره ۳ بازدید کردند. متأسفانه این کمیته از بخش ریخته گری، مولر (آسیاب)، بویلرها بازدیدی به عمل نیاورد همچنانکه آلودگی هوای سراسر شرکت را ندید. کمیته هایی چون طبقه بندی مشاغل توسط مدیران ننولیبیرال که فقط برای نمایش و ضایع شدن حقوق کارگران ساخته و پرداخته می شوند. این کمیته نپرسید به کدام بخش ها شیر داده می شود، لباس آتشکارها چرا بی کیفیت است، کفش ها چرا استاندارد نیست؟ باید هم نپرسند چون جان آدمها برای سرمایه داری بی شرف لانه کرده در دولت مهم نیست.



دم خروس را باور کنیم یا قسم حضرت عباس را !!؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدیریت ایران خودرو مدعی است لباس کار ۱۴۰۲ کارگران را توزیع کرده است این در حالی است که کارگران خط تولید می گویند ۶ ماه است لباس کار دریافت نکرده ایم. از سوی دیگر کارگران موتور سازی و بدنه سازی از کیفیت کفش های کار توزیع شده شکایت دارند و باعث بیماری خار پاشنه پا گردیده، مدیریت مدعی است که این کفش ها به تایید وزارت کار رسیده و به مدت یکماه در سالن های تولیدی مورد آزمایش قرار گرفته و

بعد خریداری شده است. البته دروغگویی های این چینی را نمی توان باور کرد چرا که کارگران حی و حاضر برای شهادت دادن وجود دارند. مافیای شکل گرفته در ایران خودرو که از کیفیت کفش می دزد، لباس کار کارگران را بالا می کشد، می تواند مدعی پولساز بودن این کارخانه را داشته باشند. دزدانی که برای پاداش های آن چنانی شب عید شکم صابون زده اند باید هم این چنین حقوق کارگران را زیر پا بگذارند تا سفره های آلوده خود را کثیف تر کنند.

وارد مرحله ای از فساد شده ایم که نه تنها فساد کاری عادی شده است بلکه از فساد حمایت هم می شود.

کارفرمای ضد قانون!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت نصیر ماشین گلپایگان تولید کننده میل لنگ و شاتون خودرو به مدیر عاملی مهندس پوررکنی واقع در شهر صنعتی گلپایگان، نه تنها قانون کار را رعایت نمی کند بلکه در مسیر حق خواهی کارگران سنگ اندازی هم می نماید. این کارفرما که پول خوبی بابت تولید میل لنگ و شاتون از کارخانه های سایپا و ایران خودرو می گیرد برای کمترین رعایت ایمنی محیط کار کارگران جان به عزراییل نمی دهد. در کارخانه نصیر ماشین ۲۰۰ کارگر در قسمت های تراشکاری و ماشین کاری در ۳ سالن تولیدی کار می کنند. کارفرما به هر کارگر در هفته ۴ عدد ماسک به جای روزانه یک عدد ماسک می دهد. دستکش به اندازه کافی به هر کارگر نمی دهد و کارگران اکثراً با دستکش های پاره کار کرده و دست هایشان زخمی است. در هوای آلوده سالن ها شیر به کارگران داده نمی شود. کفش کار به جای سالی ۲ عدد، یک عدد داده می شود. از ۳ سالن تولید فقط یک سالن دارای فن است که آن هم کار نمی کند. هوای محیط به قدری آلوده است که اگر یک صفحه سفید کاغذ را در هر سالنی گذاشته شود بعد از چند ساعت سیاه خواهد شد. بخار آب صابون دستگاههای تراشکاری آن چنان بی کیفیت است که باعث خارش پوست بدن (بیماری اگزما) در کارگران گردیده است. حق شیفت کارگران به جای ۲۳ درصد فقط ۱۵ درصد پرايشان محاسبه می شود. کارگران با سابقه این کارخانه خواستار برقراری سختی کار هستند که کارفرما قبول نمی کند. کار سخت و جانفرسا و دستمزدهای حقیرانه کارگران را بعد از ۲۰ سال کار، چنان فرسوده می کند که منجر به نقص عضو و انواع بیماری های پوستی و چشمی و جسمی تحویل خانواده و جامعه می دهد و کسی بعد از بازنشستگی عمری نخواهد کرد.

خبرهایی از گروه ملی فولاد خوزستان

۱- اعتصاب دوباره کارگران فولاد!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز اول بهمن ۱۴۰۲ کارگران گروه ملی فولاد خوزستان دست از کار کشیدند. با برداشته شدن کارت ورود چندین کارگر به دستور مدیر عامل، کارگران با شعار: «هیئات هیئات و نه تهدید نه زندان/ دیگر اثر ندارد» در ساعت ۱۰ صبح ضمن راهپیمایی در داخل کارخانه همبستگی خود را با کارگران اخراجی اعلام کردند. همچنین ۵ تن از کارگران اخراجی نیز با برپایی چادری در مقابل کارخانه فولاد تحصن اعتراضی خود را نسبت به این اخراج های غیرقانونی اعلام کردند. اختلاف ۳۰۰۰ کارگر فولاد با مدیریت بیشتر بر سر اجرای طرح طبقه بندی مشاغل است که مدیریت با اجرای طرحی فریبکارانه تلاش کرد در میان کارگران تفرقه اندازی کند. چند روزی است کارگران به مدیریت فشار می آورند تا طرح طبقه بندی درست و کامل اجرا شود که با امتناع مدیریت اعتصاب کنونی شکل گرفت. کارگران مطالبات خود را: «بازگشت به کار کارگران اخراجی/ اجرای همسان سازی بدون حقه بازی مطابق با دیگر کارخانه های فولاد/ اخراج مدیران فاسد و مشارکت کارگری

در مدیریت کارخانه/ تبدیل وضعیت همکاران شفق/ اصلاح طبقه بندی مشاغل بطور درست» اعلام کرده اند.

۲- فولاد همچنان در اعتصاب!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، دومین روز از اعتصاب ۳ هزار کارگر گروه ملی فولاد اهواز امروز چهارشنبه دوم اسفند ادامه یافت. از ساعت ۱۰ صبح با پیوستن همه کارگران گروه ملی فولاد که در اعتراض به اخراج تعدادی از کارگران معترض و نیز در اعتراض به اجرای ناقص طرح طبقه بندی مشاغل رقم خورد، کارگران با خروج از محل کار و راهپیمایی در محوطه شرکت و سپس خروج از کارخانه با شعار: «هیئات، هیئات» به همکاران اخراجی که با زدن چادر در مقابل ورودی اصلی شرکت تحصن کرده بودند پیوسته و با راهپیمایی اعتصاب را به مرحله بالاتری سوق دادند. اخبار حاکی از آن است که حراست به دستور مدیریت کارخانه با برداشتن کارت های دیگری از کارگران معترض از ورود آنان به کارخانه جلوگیری کرده است که به خشم کارگران افزود. امیدواریم ۳ هزار کارگر فولاد با انتخاب نمایندگان قوی و حفظ اتحاد و خواسته های همه کارگران، به پیروزی دست یابند. پیروزی هر کارگر، پیروزی همه کارگران است.

۳- کارگران هوشیارتر می شوند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بعد از تفرقه افکنی ها و دادن وعده های پوچ به کارگران فولاد از سوی مدیریت فاسد، امروز شنبه ۵ اسفند کارگران فولاد در ۵ مین روز اعتصاب ۳۰۰۰ نفری خود مصمم تر و پیگیرانه در صفی متحد به دنبال خواسته های خود همچنان هستند. از سوی دیگر کارگران ارکان ثالث در پالایشگاههای ۵، ۶، ۹ مجتمع گازی پارس جنوبی نیز بعد از یک وقفه یک هفته ای که با وعده پوچ کارفرما اجتماعات اعتراضی خود را متوقف کرده بودند امروز شنبه به میدان آمده و خواهان حذف شرکت های پیمانکاری به عنوان اصلی ترین خواسته کارگران شدند. در حالی که کارفرمایان تفرقه افکنی و فرسایشی کردن اعتراضات را به عنوان اصلی ترین ترفند خود به کار می گیرند، حذف شرکت های پیمانکاری و اجرای درست طبقه بندی مشاغل اصلی ترین خواست کارگران ارکان ثالث و فولاد گردیده است.

۴- کارگران فولاد همچنان به دنبال مطالبات!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از روز سه شنبه ۸ اسفند کارگران فولاد اهواز طی ۷ روز اعتصاب به سرکار بازگشتند. کارگران طی مذاکراتی که به عمل آوردند مدیریت را مجبور ساختند تمامی کارگران رسمی که ورودشان به کارخانه ممنوع بود را به کار برگردانند. هرچند که این شامل کارگران پیمانکاری شفق نگردید و آنان همچنان از ورود به کارخانه منع هستند. دومین خواسته کارگران فولاد که اجرای طبقه بندی مشاغل درست و کامل بود نیز مدیریت این موضوع را پذیرفت و مقرر شد بازبینی مجددی در طرح طبقه بندی صورت بگیرد. کارگران اعلام کردند اخراج هیچ کارگری را نخواهند پذیرفت و این خط قرمز آنان است. به نظر سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در این میان آنچه مهم است و باید به آن تاکید کرد اتحاد بی قید و شرط همه کارگران و بازگشت به کار پیمانکاری شفق باید باشد. این کارگران را پشت در نگه ندارند تا اتمام قراردادشان و بعد پیمانکار آنان را به امان خدا رها کند. این هوشیاری و تیزبینی کارگران رسمی را می طلبد. تمامی تلاش کارفرما برای تفرقه اندازی بین کارگران رسمی و پیمانی از روز اول شکل گیری اعتصاب بود که با گفتگوهای متقابل بین همه کارگران رسمی و پیمانی این اتحاد و همبستگی هر روز محکم تر شد. امیدواریم هرچه زودتر کارگران شفق نیز به کار بازگردند و این مهم همچنان در صدر مطالبات کارگران فولاد باشد.

اخبار کارگران پروژه ۵ ای

۱- شرکت پتروصبا PNS در اعتصاب!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران شرکت پتروصبا PNS سایت ۵ مارون رامشیر به دلیل پرداخت نشدن ۴ ماه دستمزد کارگران و رانندگان ماشین آلات ۷ ماه، ۲ هفته دست به اعتصاب زده اند. شوربختانه بیمه های کارگران نیز پرداخت نگردیده است. حتا بیمه تکمیلی کارکنان نیز به همین دلیل غیرقابل استفاده شده است. با آنکه چند روز قبل فرماندار به محل اعتصاب آمده است اما هیچ اتفاق خاصی نیفتاده است، این در حالی بود که روسای کارگاه آقایان احسانی زاده و رضایی و سهامدار احمدی نیز حضور داشتند اما قولی برای پرداخت ندادند. با پافشاری و همبستگی کارگران امروز مذاکراتی به عمل آمد و به کارگران قول داده شد در ۷ اسفند تسویه حساب کارگران برای شب عید اتفاق بیفتد. کارگران این کارگاه طبق مقررات کمپین ۱۰/۲۰ نیستند و هنوز هم مانند قبل از کمپین ۶/۲۴ کار می کنند. باز هم به کارگران می گوئیم نگهدارید دستمزد هایتان عقب بیفتد و سر هر ماه تسویه حساب کنید. پیمانکاری که نمی تواند یک ماه حقوق شما را بدهد چگونه می تواند ۴ ماه حقوق عقب افتاده را تسویه کند. برجیده شدن پیمانکاری خواست همه کارگران است

۲- کارگران شرکت پترو صبا همچنان در اعتصاب!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۴۰۰ کارگر شرکت پترو صبا PNS رامشیر مارون ۵ به دلیل نگرستن حقوق و رد نشدن بیمه ها در حال اعتصاب سه هفته ای هستند. کارگران شرکت پترو صبا دستمزدهای آذر تاکنون خود را دریافت نکرده اند و کارگران پیمانکاری این شرکت نیز از آبان ماه حقوق دریافت ننموده اند. از سوی دیگر لیست بیمه کارگران از آذرماه به بیمه تامین اجتماعی رد نگردیده است. حراست و مدیریت مارون ۵ به کارگران اعتصابی هشدار داده اند که اعتصابشان مصداق اغتشاش گری می باشد. این در حالی است که نه مدیریت مارون 5، نه شرکت پترو صبا و نه حتا فرماندار و نماینده مجلس رامشیر که برای بازدید از این پروژه به آنجا آمده بود در مورد زمان پرداخت دستمزدها و حق بیمه ها سکوت اختیار کرده اند. کارگران اعلام کرده اند تا پرداخت دستمزدها و بیمه به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

۳- رای می‌خوای؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، روز گذشته فرماندار رامشیر به همراه نماینده مجلس شهر که به دنبال تبلیغ برای گرفتن رای بودند با کارگران پترو نیرو صبا PNS سایت ۲ مواجه شدند که سندیکا در روزهای گذشته خبری از آنان منتشر کرد که این کارگران ۴ ماه حقوق طلبکارند و ۲ هفته است که در اعتصاب به سر می‌برند. کارگران اعتصابی به فرماندار می‌گویند آقای احمدی سهامدار شرکت پترو نیرو می‌گوید گردن کلفت است. تلاش فرماندار و تیم همراه برای خاموش کردن صدای اعتراض آنان بی نتیجه بود. کارگران فریاد می‌زدند: «ما گشنه ایم و حقوق مان را می‌خواهیم»

۴- اعتصاب کارگران پتروشیمی مارون!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۴۰۰ کارگر شرکت پترو نیرو صبا PNS رامشیر در پتروشیمی مارون ۵، مجدداً از دیروز دست به اعتصاب زدند. این کارگران که ۴ ماه است دستمزدهای خود را دریافت نکرده‌اند و بیمه‌های آنان از آذرماه به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده است از دیروز ۱۷ اسفند دست به اعتصاب زدند. با آنکه این کارگران مشکلات خود را به فرماندار و نماینده مجلس شهر و ریاست پتروشیمی گفته‌اند در اول اسفند و هنگام بازدید این افراد به آنان بازگو نمودند اما مثل اینکه همگی این افراد کر و کور و لال شده‌اند. کارگران اول اسفند جلوی این مسوولین را گرفته و فریاد زدند که گرسنه هستند و هم زمان از سوی حراست تهدید به اغتشاشگری و بازداشت شدند، باز هم این موارد را نادیده گرفته دست از کار کشیده‌اند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران پیگیر مشکلات این کارگران بوده و باز هم به مسوولین شهر برای حل مشکلات این عزیزان فشار خواهد آورد.

۵- پیمانکاران دغلباز را بشناسیم و برایشان کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، تقی بختیاروند، امین تقی پور و برادرش از پیمانکاران بدحسابی هستند که به دوستان پروژه ای معرفی می‌گردند تا هرگز با این افراد کار نکنند. یکی از شگردهای این افراد این است یا خود را به ورشکستگی می‌زنند و یا با نام‌های جدید شرکت درست کرده و کار می‌گیرند تا بتوانند دستمزدهای کارگران را بالا بکشند. ۱- تقی بختیاروند در پتروشیمی پردیس عسلویه، گل‌گهر سیرجان، پتروشیمی کاویان عسلویه کار کرده است. در آخرین پروژه در پتروشیمی کاویان پول ۱۵۰ کارگر را نداده و خود را به ورشکستگی زده است. این شیداد در هر پروژه ۳ ماه آخر دستمزدها را عقب انداخته و سپس با اعلام ورشکستگی دستمزد کارگران را نمی‌پردازد. از این فرد تاکنون چندین شکایت در

اداره کار مفتوح است. یا او آگاهی لازم برای بستن قرارداد ندارد که ورشکسته می شود که باید پروژه را ترک کند یا اینکه شاید است و ما با کار نکردن با او، او را از پروژه ها بیرون خواهیم کرد. ۲- امین تقی پور و برادرش در پالایشگاههای اصفهان شرکت پرهون طرح، پتروشیمی مهر کیمیای عسلویه شرکت آبداراهان و همچنین در جزیره خارک کار کرده است. در جزیره خارک در سال ۱۴۰۰ هنوز کارگرانی که با او کار کرده اند به دستمزدهایشان نرسیده اند. او با اعمال نفوذ در اداره کار تاکنون نگذاشته است شکایت کارگران به نتیجه برسد. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران به همه کارگران پروژه ای توصیه می کند نام این شیادان را به همه کارگران اعلام و از کار کردن برایشان خودداری کنند. برجیده شدن شرکت های پیمانکاری خواست همه کارگران ایران است.

۶- با هر شرایطی کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، آگهی در گروههای کارگران پروژه ای در فضای مجازی مرتب منتشر می شود که هم به شخصیت کارگران توهین می کند و هم بی قانونی را رواج می دهد. به متن آگهی توجه کنید: «درود، برای شرکت آریا استوان سازان در پروژه فولاد بافق به نفرت ذیل نیازمندیم، قرارداد پروژه دو ساله می باشد، دو ماه گذشته، خوابگاه، بیمه، حقوق توافقی، پرداخت یک ماه و حداکثر تا دو ماه تاخیر. نام شرکت آریا استوان سازان، کارفرما فولاد بافق، خوابگاه در بافق، لطفا برای اطلاعات تکمیلی به شماره ذکر شده تماس گرفته شود. با تشکر» البته که بازرسی وزارت کار کور شده اند و این بی قانونی آشکار را نمی بینند. اما برادران کارگر باید توجه کنند شرکتی که از الان به کارگر می گوید ۲ ماه تاخیر حقوق دارد بی تردید تا ۴ ماه حقوقشان را عقب خواهد انداخت. در هیچ کجای قانون کار نوشته نشده است که می توان حقوق کارگر را با تاخیر پرداخت کرد. حقوق کارگر یا روزانه، هفتگی، و یا ماهانه است در غیر این صورت کارفرما بی قانونی کرده است. دوستان برای خود احترام و شخصیت قایل شویم و برای این شرکت های بی در و پیکر کار نکنیم.

۷- برای پیمانکار انصاری بیدبند کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، احمد انصاری پیمانکار سایت ۱ بیدبند آغاچاری که در سایت نمک زدایی در بخش سویل و داریست کار می کند از دادن حقوق کامل کارگرانش برای ماههای مهر و آبان ناقص پرداختی داشته و ماههای بعدی را هم تاکنون پرداخت نکرده است. این پیمانکار بدحساب حتما از دادن بیمه کارگران هم به تامین اجتماعی خودداری کرده است. این پیمانکار خطاکار پشت تلفن به کارگرانی که از استان های دیگر با او برای کار تماس می گیرند وعده دستمزد روزانه ۵/۱ میلیونی را می دهد اما پس از ۱۰ روز عهدشکنی

کرده به کارگران می گوید حقوق شما ۸۰۰ الی ۹۰ هزار تومان در روز است. با این شیوه کارگر را به سرکار آورده و با نصف مبلغ دستمزد از کارگر کار می کشد. اگر هم ماند که با نصف دستمزد کار خواهد کرد. اگر کارگری خواست برود که دیگر با خداست کی پولش را می گیرد آن هم با نصف دستمزد توافق شده... سرپرست سایت ۱ رضا سلیم پور است که به این بی شرفی ها چشم بسته است. سندیکا به کارگران توصیه می کند موارد تخلف را جمعی به حراست و مدیرعامل بیدبلند خبر بدهند و از آنان کمک بگیرند. و همچنین به اداره کار گزارش کنند و سندیکا را هم در جریان بگذارند تا در حد امکان به شما کمک کنیم. باز هم تاکید می کنیم پیمانکاری که یک ماه حقوق نداد برایش کار نکنید.

۸- اعتصاب در پتروشیمی ایلام!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با درج گزارش هایی از وضعیت خراب پیمانکاران و شرکت پناه صنعت و پایمال کردن حقوق کارگران در این پتروشیمی، امروز ۱۶ اسفند شرکت پناه صنعت ۳۵ کارگر اعتصابی خود را اخراج کرد. ۳۵ کارگر فیترو و مونتاژکار غیر بومی که چند ماهی است در این شرکت مشغول به کار هستند به دلیل عقب افتادن دستمزدهای دیمه و بهمین خود دست به اعتصاب زده بودند توسط پیمانکار شاید ایوب ارکوازی پس از توهین و فحاشی و کتک زدن ۲ تن از کارگران همگی آنان را بدون دادن دستمزدهای عقب افتاده شان اخراج کردند و با همدستی حراست، کارگران را از پتروشیمی بیرون کردند. روی صحبت ما با کارگران چواری است که با همدستی ایوب ارکوازی به اعتصابیون حمله کرده و آنان را کتک زدند. امروز شما کارگران اعتصابی را زدید مطمئن باشید فردا هم کارگران دیگری را تحریک خواهد کرد که شما را کتک بزنند. ایوب ارکوازی بداند نتیجه این بی احترامی به کارگران را در محل زندگیش خواهد دید. شرکت پناه صنعت و ایوب ارکوازی تحریم کارگری هستند و کارگرانی که برای خود شخصیت قایل هستند نباید برای این شرکت بدحساب و ایوب ارکوازی بدنام کار کنند تا بدون کارگر مانده و از پروژه ها بیرون انداخته شوند. برادران کارگر، از همه کارگران می خواهیم شرکت های تحریم کارگری را به دیگر کارگران اطلاع داده تا از کار کردن برای این افراد کار نکنند همچنین از همه کارگران می خواهیم به آگهی استخدام فیترو و مونتاژکار پتروشیمی ایلام توجه نکنند. کارگر متحد کارگر- سندیکا پشتیبان همه کارگران

۹- اعتصاب در پترو پالایش!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۶۰ کارگر شرکت پدram صنعت مارون به پیمانکاری اسلام جانکی که زیر مجموعه شرکت ره گستر نفت در پترو پالایش است، از یک هفته قبل در اعتصاب بوده و از خوابگاه های خود بیرون نیامده اند. این پیمانکار خلافکار و حق خور

بخشی از کارگزارانش از آبان ماه حقوق نگرفته اند و اکثریت کارگران هم از دیمه عقب افتادگی حقوق دارند. این پیمانکار شاید حتا بیمه ها را هم یکی ماه در میان به تامین اجتماعی اعلام لیست می کند. این پیمانکار شاید، کارگری را که به دلیل پرداخت نشدن دستمزد بخواهد برود را دیگر دستمزدش را پرداخت نخواهد کرد. از دیگر کارهای زشت این پیمانکار دست بردن در زمان شیفت کارگران است. به کارگران توصیه می کنیم حقوق های خود را بطور کامل گرفته و دست جمعی کارگاه را ترک کنند تا درس عبرتی برای همه پیمانکاران شیداد باشند.

۱۰ - پیمانکار بدحساب کیوانی تحریم کارگری است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در روز ۱۸ اسفند در سایت ۱ آجاجاری شرکت صنایع انرژی ایران از هلدینگ خلیج فارس یک جوشکار مخزن که برای پیمانکاری به نام کیوانی کار می کرده است به دلیل پرداخت نشدن حقوق مهرماه خود با آتش زدن خود تلاش نمود خودکشی کند. ۱- به همه کارگران می گویم خودکشی راهکار یک کارگر فنی و پروژه ای نیست و با این کار خانواده خود را بی پناه رها می کنیم و این انسانی نیست. ۲- اگر دستمزدتان با تأخیر روبرو شد با دست کشیدن از کار و مطلع کردن حراست و مدیریت پروژه و اداره کار، پیمانکار را تحت فشار گذاشته تا دریافت کل دستمزد از کارگاه خارج نشوید ۳- با مطلع کردن سندیکا از این رویداد نام پیمانکار بدحساب را به تمامی کارگران اطلاع داده او را تحریم کارگری کنید تا بدون کارگر مانده و از پروژه های نفت و گاز اخراج گردد. اتحاد ما راهگشای زندگی ماست. کارگران قدرتمند سندیکای قدرتمند خواهند داشت.

۱۱ - اعتصاب کارگران پروژه ای نیروگاه بوشهر!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران پروژه ای شرکت های عمران اندرستان و شمس عمران، شرکت پارس نصب تاراز واقع در نیروگاه اتمی بوشهر، به دلیل کمی حقوق و رعایت نشدن قوانین ۱۰/۲۰ دست از کار کشیدند. پیمانکاران شرکت های واقع در این نیروگاه از جمله محمدجواد قبادی پور و سرپرست کارگاه اصغر شجاعی حقوق جوشکاران و مونتاژکاران را ۱۶ تا ۲۵ میلیون با ۷ روز مرخصی و ۲۳ روز کار برای کارگران غیر بومی و برای کارگران بومی ۳ روز مرخصی و ۲۷ روز کار تعیین کرده اند. این شرکت ها و عوامل پیمانکارش راضی به افزایش حقوق و رعایت قوانین کمپین ۱۰/۲۰ نیستند و به همین دلیل کارگران از ۱۷ اسفند دست به اعتصاب زده اند. این در حالی است که این شرکت ها با قراردادهای دلاری بسته شده با روس ها فقط از افزایش قیمت دلار سودهای نجومی می برند ولی برای افزایش حقوق، می میرند و زنده می شوند.

۱۲ - برای شیادان کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت پای بست در آغاچاری در زمان استخدام به کارگران وعده اجرای مقررات کامل ۱۰/۲۰ را می دهد اما در زمان پرداخت دستمزدها زیر قولش می زند. آقای کریمی که سرپرست کارگاه این شرکت است تمامی کارگران پایبندنگ کار خود و نفرات ستادی را اخراجی اعلام کرده چون کارگران نسبت به دستمزدهای پرداختی معترض بودند. دستمزد کمتر از ۲۵ میلیون برای کارگران اجرایی و دفتری و کنترل کیفیت در نظر گرفته و پرداخت شده است. سندیکا به کارگران توصیه می کند قراردادهای خود را به همراه ریز دریافتی ها را به اداره کار برده و از این شرکت شکایت کنند و سندیکا هم به آنان کمک خواهد کرد. آقای کریمی، بی شرافتی است بعد از انجام کار برای کارگر حقه بازی در آورد. آیا باید در شهرستان و در مقابل خانواده تان، کارگرانی که شما باعث پایمال شدن دستمزد شان شده ای آبرویت را ببرند؟ سندیکای قدرتمند با کارگران آگاه و حق خواهی شکل می گیرد.

۱۳ - پیروزی کارگران پروژه ای نیروگاه بوشهر!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با انتشار خبر اعتصاب کارگران پروژه ای شاغل در شرکت عمران آدرستان، شمس عمران، پارس نصب تاراز در نیروگاه بوشهر توسط سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، مذاکرات برای پایان دادن به اعتصاب از سوی مدیریت شرکت ها و افزایش حقوق ها از سوی کارگران آغاز گشت. پس از مذاکرات طولانی در ۲۱ اسفند مدیریت شرکت ها پذیرفت قوانین کمپین ۱۰/۲۰ را رعایت کند و همچنین افزایش حقوق ها طبق نظر کارگران را اجرایی کنند و اعتصاب با موفقیت پایان یافت. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ضمن شادباش این پیروزی، به کارگران پروژه ای نیروگاه بوشهر به آنان یادآور می شود اتحاد و همفکری و تصمیم جمعی است که پیروزی ها را رقم می زند. پیروزی هر کارگر، پیروزی و سر بلندی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک است.

۱۴ - سایت ۱ آغاچاری همچنان در اعتصاب!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بعد از خودسوزی یک کارگر در شرکت صنایع انرژی از هلدینگ خلیج فارس، کارگران خشمگین به خاطر این موضوع و به دلیل عقب افتادن حقوق ها همچنان در اعتصاب به سر می برند. این در حالی است که پیمانکاران احمد انصاری از شرکت حقوق ها را گرفته ولی به کارت کارگران واریز نکرده است و پاسخ تلفن های کارگزارانش را هم نمی دهد. همچنین پیمانکار یزدانی پول صورت وضعیت خود را دریافت کرده اما به جای پرداخت به کارگران آن را در خرید یک گاوداری در شهرستان بهمنی سرمایه گذاری کرده است. متاسفانه مدیریت شرکت صنایع انرژی چشم بر روی این

خلافکاری ها بسته و شب عید کارگران را به حال خود رها کرده است. به کارگران توصیه می کنیم تا پرداخت کامل حقوق ها از پروژه بیرون نروند و به وعده های احتمالی بی اعتنایی کنند و به مدیریت سایت ۱ آغاچاری فشار بیاورند تا آنان و یا شرکت دستمزدهایشان را بپردازد. به همه کارگران پروژه ای تاکید می کنیم برای پیمانکاران احمد انصاری و یزدانی کار نکنند و هر دوی این شیادان را تحریم کارگری کرده و به همه کارگران پروژه ای بشناسانند تا دیگر هیچ کارگری با این شیادان کار نکند تا از پروژه ها بیرون انداخته شوند. حذف پیمانکاری ها خواست همه کارگران ایران است و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران برای آن می کوشد.

۱۶- اعتصاب در نیروگاه رودشور!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران شرکت نصب نیرو در نیروگاه رودشور به پیمانکاری امیر صارمی و میرزا موسوی به دلیل عقب افتادن دستمزدهایشان از روز دوشنبه ۲۱ اسفند دست به اعتصاب زده اند. امیر صارمی دستمزد دیمه و بهمن ماه کارگران را نپرداخته است و جوابگوی کارگران هم نیست. میرزا موسوی هم نصف دستمزد آبان و آذر کارگران را پرداخته و طی تماسی با رانندگان سرویس های حمل و نقل به آنان دستور داده کارگران را به نیروگاه نبرند تا اعتصاب گسترش پیدا نکند. حذف پیمانکاری ها خواست همه کارگران ایران است و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران برای آن می کوشد.

اخبار کارگران نفت و گاز

۱- تجمع کارگران شرکت فلات قاره سکوی لاوان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز جمعه ۴ اسفند کارکنان شرکت فلات قاره سکوی عملیاتی لاوان تجمع اعتراضی خود را در خصوص اجرا نشدن ۱- برکناری مدیران نالایق و بی کفایت ۲- حذف سقف حقوق ۳- اصلاح کف حقوق ۴- حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی ۵- اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ۶- عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی ۷- عدم دسن درازی به صندوق بازنشستگی نفت برگزار کردند. آنان گفتند: هیچگاه در زندگی فکر نمی کردیم خفقان و تضییع حقوق تا به این اندازه بر روی قشر عظیمی از کارکنان یک مجموعه اعمال بشود و هیچ کس به خاطر سیاستهای امنیتی و تنبیهی نتواند حتی به بیرون از شرکت اطلاع بدهد. چند سالی هست که در پالایشگاه نفت لاوان خورشید غروب کرده و دوران پادشاهی و ظلم شخصی به همراه همراهانش شروع شده است. در

پالایشگاه نفت لاوان غریب به نزدیک ۸ سال است که تخلفاتی صورت می‌گیرد که شاید اگر این پالایشگاه مورد نظارت دقیق تر و سخت تری قرار می‌گرفت این چنین نمی‌شد... از نظارت صحبت شد. از روزی که بازرس شرکت بعد از اینکه تخلفات گسترده برایش محرز شد شبانه حکم عضو هیات مدیره برایش صادر شد و تمامی تخلفات به یکباره پاک شد...



از ظلم صحبت شد. بله ظلم آن هم به قشر زحمتکش پالایشگاه. چه ظلمی و تخلفی بالاتر از اینکه در پالایشگاه لاوان با اینکه قرارداد نفرات به صورت تامین اجتماعی هست ولی هیچگاه پایه حقوق تامین اجتماعی شامل حالشان نمی‌شود و با یک تخلف آشکار برای نفرات قرارداد مدت معین پایه حقوق خیلی کمتری نسبت به پایه حقوق تامین اجتماعی اعمال می‌کنند تا حقوق کمتری شامل حالشان بشود و هنگامی که کارکنان به مدیران و مدیرعامل شرکت در این باره شکایت می‌کنند در جواب به نیروهای با تجربه و با سابقه شرکت که فقط حق خود و خانواده هایشان را که باید سختی کار اقماری و دوری از خانواده را تحمل کنند، مطالبه می‌کنند شخص مدیر عامل عنوان می‌کند: «هر کس نمی‌خواهد بمونه، بره از شرکت و چیزی که زیاده نیرو هستم. از شخص صحبت شد. بله جناب مدیرعامل آقای محمدعلی اخباری، مدیرعاملی که انواع و اقسام تهدیدها و تمسخرها و توهین‌ها را به نیروها و خانواده نیروها کرده و می‌کند و چنان پشتش گرم است که در لاوان هر کاری می‌خواهد می‌کند... ما جمعی کثیری از نیروهای شاغل در پالایشگاه لاوان دیگر جاثمان به لب رسیده و توان تحمل این همه رنج و ظلم را نداریم پس با صدای بلند گلوئی پر از بغض خود را می‌فشاریم و از همه نهاد های نظارتی و امنیتی و بازرسی خواهشمند هستیم جهت جلوگیری از

تضییع حقوق پرسنل و بیت المال هرچه سریع تر به داد این شرکت برسند و ما را از چنگال اهریمن صفتان نجات دهند. به راستی که هیچ گاه ظلم پایدار نمی ماند.

۲- چرا سقف حقوق در نفت و گاز اجرا می شود؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز یکشنبه ۶ اسفند کارکنان عملیاتی شرکت نفت فلات قاره در جزیره سیری در امتداد اعتراضات کارگران در جزایر دیگر دست به تجمع زدند. آنان می گویند: صنعت نفت یک صنعت بین المللی است، نفت هم به قیمت بین المللی فروخته می شود کارکنان مناطق عملیاتی صنعت ایران اما بسیار بیشتر از کارکنان نفتی سایر کشورها برای تولید، فرآورش و صدور نفت زجر می کشند. تجهیزات کهنه و فرسوده که هر آن احتمال انفجار آنها می رود، کمبود شدید قطعات یدکی و مواد شیمیایی مورد نیاز قدمت ۴۰ - ۵۰ ساله وسایل تردد مناطق صعب العبور عملیاتی (هلی کوپترهایی که ۷۰ سال پیش وارد کشور شده اند و کشتی های عهد عتیق)، خطرات و تهدیدات امنیتی نظیر احتمال جنگ، اما مسئولین کشور با اعمال سقف غیر شرعی، ناعادلانه و غیرقانونی بر حقوق این کارکنان، عملاً به نفتی ها می گویند لیاقت شما بیش از این نیست! و ما به شما نان بخور و نمیری می دهیم تا زنده بمانید و برای ما ثروت تولید کنید! بی تردید آن چیزی که کمر صنعت نفت را خرد خواهد کرد، تحقیر است و نه تحریم، زیرا تحریم از ابتدای انقلاب بوده است اما تحقیری که از سال ۸۴ و با ابداع عبارت منحوس «مافیای نفتی» به نفتی ها (کارکنان) تحمیل شد، باعث گردید تا متخصصین برجسته ی نفتی دسته دسته این صنعت را ترک کنند، برخی راهی دیار غربت شدند و برخی ترجیح دادند در همین کشور به کار دیگری مشغول شوند تا کمتر تحقیر ببینند. تولید نفت ایران در سال ۸۴ بالغ بر ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه بود که حدود ۸۰۰ هزار بشکه ی آن توسط شرکت نفت فلات قاره ایران در خلیج فارس که عمده میادین نفتی آن با اعراب مشترک است تولید می شد اما تحقیر نفتی ها از تریبون های رسمی کشور (همانها که بدون پول نفت یک روز هم دوام نمی آورند) کار را به جایی رسانده که در کمتر از ۱۸ سال، تولید شرکت نفت فلات قاره به کمتر از ۲۰۰ هزار بشکه برسد و ارقامی که برای افزایش تولید نفت کشور به حدود ۴ میلیون بشکه از سوی مسئولین اعلام می شود هم ادعاهایی است که در هیچ یک از مخازن ذخیره سازی نفت قابل ذخیره نیست. اگر مسئولین کشور به خود نیایند و همچنان به تحقیر عملی نفتی ها ادامه دهند، دیری نخواهد پایید که بایستی برای مصارف داخلی و جلوگیری از تعطیلی پالایشگاه های کشور، به وارد کننده نفت تبدیل شویم زیرا تحریم را می توان تحمل کرد اما تحمل تحقیر، نمی تواند برای همیشه ادامه داشته باشد.

۳- سکوهای نفتی همچنان در اعتراض!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز سه شنبه ۸ اسفند کارکنان شرکت فلات قاره در جزیره خارک تجمع خود را در اعتراض به زیر پا گذاشتن موارد قانونی توسط شرکت دست به اعتراض زدند. آنان می گویند: «افزون بر تحریم‌های خارجی، مدت‌هاست خود تحریمی داخلی نیز گریبانگیر کارکنان و بقای صنعت نفت شده است. آقای دولت!! انصافت کجاست؟؟ آیا کسی که در شرایط تحریمی و با وجود انواع مخاطرات و تهدیدات ایمنی و امنیتی، و با تکنولوژی‌هایی مربوط به ۵۰ سال پیش، جان بر کفانه کمر همت می‌بندد تا اقتصاد کشورش سرپا بماند سختی بیشتری را تحمل می‌کند باید با این رفتار غیر قانونی مواجه شود؟ شما مگر دم از اسلام و عدالت و انصاف نمی‌زنید؟ آیا این است راه و رسم مسلمانی که کارگر و کارمند ایرانی در بدترین شرایط آب و هوایی و با بیشترین مشکلات فنی و لجستیکی، نفت را تولید و صادر کند و جلوی خانواده اش هم شرم‌منده و سرافکنده باشد؟؟ با نفتی‌ها اینقدر بد رفتاری نکنید، بخدا بزرگترین ولی نعمت شما، همین نفتی‌های جان بر کفی هستند که اینگونه تلاش می‌کنند تا اقتصاد کشور از پای نیفتد اما شما بی انصاف‌ترین و قدرشناس‌ترین دولت روی زمین هستید. آیا نمی‌بینید متخصصین این صنعت فوج فوج کشور را ترک می‌کنند؟ آیا نمی‌شنوید که فریاد نارضایتی نفتی‌ها تا اوج آسمان بلند است؟ آیا باید حتما نفتی‌ها دست به اقدامات عملی بزنند تا شما کوتاه بیایید؟ این کدام عدل و انصاف است که بیش از ۶۵ درصد حقوق یک متخصص نفتی به عنوان مازاد بر سقف برداشته شود؟؟»

۴- کارگران نفتگر شرکت فلات قاره در پی خواسته‌های خود!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز جمعه ۱۱ اسفند کارگران نفتگر شرکت فلات قاره در لاوان تجمع اعتراضی داشتند. آنان خواستار: «برکناری نفوذی‌ها و مدیران نالایق، حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرا و پرداخت کامل یک پی ماده ۱۰ و عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی» هستند. آنان گفتند: در شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب و مدیریت فنی و اداره کل حفاری، چند سالی است به دلیل افزایش تعداد دکل‌های حفاری و تعمیری و همچنین بازنشسته شدن تعداد نیروهای عملیاتی- اقماری، شرکت در نیروی ناظر عملیات (کمپانی من) کمبود شدید دارد و به دلیل همین نبود نفر، بعضی برخی از دکلها به صورت یک نفره شبانه روزی اداره می‌شود که نه تنها استاندارد نیست بلکه باعث فرسایش جسم و روح کارگران شده آنان را به سمت خطاهای انسانی و مرگ و بیماری زودرس می‌برد. متأسفانه شاهد این هستیم تعدادی از پرسنل عملیاتی شرکت با سمت ناظر عملیات و دریافت حقوق و مزایای عملیاتی - سرچاهی و حق سکو، به صورت روزکار اداری در دفاتر رؤسای عملیات و دیگر بخش‌های اداره در جایگاهی نامربوط مشغول هستند. با توجه به کمبود شدید نیروی ناظر عملیات و اضافه شدن

دکل ها در آینده نزدیک، باید مدیریت اداره حفاری جناب مهندس حیدری لوینه تصمیم بهتری در خصوص استفاده از نیروی عملیاتی آموزش دیده با سمت اقماری و دریافتی سرچاهی بگیرند. با این شرایط کاری سخت، تحقق نیافتن خواسته های بالا بی قانونی محض است.

۵- شرکت های پیمانکاری باید حذف شوند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۱۲ اسفند کارگران ارکان ثالث پالایشگاههای فاز ۳- ۵- ۶- ۸- ۱۰- ۱۲ مجتمع گاز پارس جنوبی دست به اعتراض زدند. کارگران ارکان ثالث که با وعده های داده شده ۱۰ روز اعتراضات خود را متوقف کرده بودند امروز دوباره این اعتراضات را از سر گرفتند. وعده های روسای پالایشگاهها به همراه تهدیدها برای جابجایی نیروها و حذف اضافه کاری های کارگران هم نتوانست اعتراضات کارگران را امروز متوقف کند. حذف شرکت های پیمانکاری، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، دستمزد و مزایای یکسان با کارگران رسمی نفت، ۱۵ روز کار ۱۵ روز مرخصی مهمترین خواسته های کارگران ارکان ثالث می باشد

۶- نفتگر حق خود را می خواهد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۱۳ اسفند ۵۰ تن از کارکنان شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری در مقابل ساختمان مرکزی تجمع کرده و خواهان حذف کامل سقف حقوق و محدودیت حق سنوات بازنشستگی، پرداخت مالیاتهای کسر شده غیرقانونی، پرداخت بک پی و اجرای ماده ۱۰ و عدم ادغام و دست انداز به صندوق بازنشستگی شدند. این کارکنان در مورد تبعیض ها چنین می گویند: همانگونه که مطلع هستید مدت ها پیش با تصویب هیأت وزیران مقرر شد تمامی دستگاه های اجرایی دولت جهت حمایت دوسویه، هم از معیشت کارکنان و هم از کالا و تولیدکنندگان داخلی، مزایایی تحت عنوان بن کارت خرید کالای ایرانی «کالا_ کارت» به کلیه ی کارکنان دولت اختصاص یابد. درحالیکه بسیاری از دستگاه های اجرایی این مصوبه را ماه هاست اجرایی کرده اند، بالاخره مسئولین حجیم نفت که به دلایل ذیل سقف بودن این امتیاز، تمایلی به تمکین از مصوبه ی دولت نداشتند با کلی تأخیر، اندکی مانده به پایان سال و باتوجه به سالگرد پیروزی انقلاب و نزدیکی انتخابات مجلس و طبعا عواقبی که ممکن بود گریبان گیرشان کند، استارت کالا_کارت را زدند. تا یکی دو هفته پیش قرار بر این بود که کالا_ کارت همانند بن_ کارت ماهانه شارژ شده و قابلیت خرید از هر فروشگاه و دستگاه پوزی را داشته باشد اما به یکباره پای «تارا بانو» به ماجرا باز شد! حال چه شد که یک اپلیکیشن نوپا توانست چنین موقعیتی بدست آورد، چه داده و به چه کسی داده است، خدا داند و آنانی که توافق کرده اند. با این وجود همکارانی که موفق به نصب اپلیکیشن نشده اند از ناتوانی و ضعف نرم افزاری و سرور داغان «تارا جان» که بگذریم،

ثبوت ذهن محدود و تعقل معلول باتیان امر است؛ گویا مسئولین تهران‌نشین به فکر سایرین ساکن در شهرهایی جز تهران نیستند. تنوع و تراکم مراکز خرید، فروشگاه‌های بزرگ لوازم خانگی و بنگاه‌های ارائه‌دهنده‌ی محصول و خدمات اینچنینی در شهرهایی غیر از تهران و یکی دو مرکز استان دیگر، به شدت محدود و ناچیز است! اصلاً آن همکاری که در یک شهر کوچک یا حتا روستا زندگی می‌کند تکلیفش چیست؟ کارگران و کارکنانی که بصورت اقماری فعالیت می‌کنند و در بیابان و دریا و مناطق عملیاتی مشغولند چه باید بکنند؟ موبایل خود را بهمراه نبرند تا خانواده بتواند خرید کند و جهت پرداخت، پارکد تازا را به فروشنده نشان دهد؟! به گواه تاریخ صنعت نفت ۱۵ ساله‌ی ایران، بخصوص در بخش منابع انسانی تاکنون هیچوقت مسئولینی اینقدر دشمن با پرسنل، سنگ‌انداز، نان بر، منفعل، کم‌کار اما پرحاشیه و سردرگم را در چارت مدیریتی خود نداشته است! و از این حیث رکوردشکنی کرده است. کسانی بکار گماشته شده‌اند که تخصص ویژه‌ای در تبدیل فرصت به تهدید دارند! در حقیقت ما کارکنان نفت همگی ثروتمندیم، اما به دلیل کسر مازاد مالیات، ندادن بک پی ماده ۱۰، فوق‌العاده ویژه، وام قرض‌الحسنه، اپریزال ۲۰ و گرید ۱۰ اما در واقعیت ما کارکنان نفت سال‌هاست حقوقمان به نیمه‌های ماه نرسیده‌ته می‌کشد و به چکنم چکنم می‌افتیم و زنده‌ایم به وام‌هایی که بدون رانت و امتیاز با سپرده‌گذاری شخصی از بانک گرفته‌ایم.

۷- چرا به کالا کارت نفت، شارژ نمی‌دهند؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، چون کالا کارت در سقف حقوق قرار گرفته است، معاون اداری منابع انسانی نفت بهمراه امور مالی، به بهانه‌های مختلف در شارژ کالا کارت تعلل کرده و حق بقیه‌ی کارکنان را به اسارت گرفته‌اند! اکثر این گروگانگیران با هزار و یک روش از تمامی ظرفیت‌های قانون استفاده می‌کنند اما صرفن برای منافع خودشان که دور هم جمع کوچکی را تشکیل داده‌اند و از حال و روز کارکنان غافل مانده‌اند! بطور مثال در اقدامی بی‌سابقه در بهمن‌ماه باز خرید مرخصی خود را خارج از سقف و بشرح ذیل انجام دادند: مدیر منابع انسانی ۸۰ میلیون تومان، معاون اداری ایشان ۷۴ میلیون تومان، مدیر مالی ۵۰ میلیون تومان. در آذرماه خودشان به خودشان پاداش تراز مالی اختصاص دادند، آن هم خارج از سقف و بشرح ذیل: مدیر منابع انسانی ۶۰ میلیون تومان، معاون اداری ایشان ۵۲ میلیون تومان، مدیر مالی ۴۰ میلیون تومان. سفرهای جنوب و تورهای نوروزی به بهانه‌ی بررسی و رفع مشکلات منابع انسانی و حق ماموریت‌های میلیونی خارج از سقف حقوق نیز اضافه شود به این تیم فداکار!! که از خواب و خوراک افتاده‌اند و شب و روز خود را صرف پیگیری امورات پرسنل کرده‌اند!! واقعا چنین افراد منفعت‌طلبی، چرا باید به فکر کارکنان باشند؟! مافیای نفت همه چیز را برای خود می‌خواهد.

۱- تجمع هفتگی کارکنان سکوی نفتی لاوان!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، طبق روال همه هفته امروز جمعه کارکنان عملیاتی شرکت نفت فلات قاره سکوی لاوان با دست نوشته های خود که خواسته هایشان را نوشته بودند در محوطه دست به تجمع یکساعته زدند. این کارگران خواستار «برکناری مدیران نالایق و بی کفایت، حذف سقف حقوق و اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای ماده ۱۰ و پرداخت بک پی، رفع تبعیض مشاغل در مناطق عملیاتی و کوتاه شدن دست های ناپاک از صندوق بازنشستگی نفت» هستند. آنان می گویند: دلیل نداره کسی صبح بره اداره و شب گیج و بی رمق برگرده دکل. اگر از نظر ایمنی حادثه رخ بده کی مسئوله؟ متاسفانه اداره ما به دلیل کمبود نفرات بسیاری از دکلها ناظر عملیات بصورت تک نفره و شبانه روزی سر کار هست و تعداد کل نفراتی که گفتن آیتم عملیاتی میگیرن و میرن اداره کلا ۴_۳ نفر هست که همونطور که عرض کردم سر دکل هم میرن. در آخر اینکه اداره ای که بیش از ۶۰-۷۰ نفر برای عملیات کمبود نیرو داره مشکلش با این ۴_۳ نفر حل نمیشه»

۹- گسترش همبستگی کارگران ارکان ثالث!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران ارکان ثالث پالایشگاه های گاز پارس جنوبی و ملی حفاری امروز ۱۹ اسفند دست به اعتراضات متحد زدند. کارگران ارکان ثالث پالایشگاه های ۱۲-۱۰-۷-۶ مجتمع گاز پارس جنوبی در مقابل ساختمان اداری پالایشگاه های پارس

جنوبی و کارگران ارکان ثالث ملی حفاری در مقابل ساختمان مرکزی شرکت در اهواز در یک حرکت متحد دکل های ۸۶-۸۱-۷۵-۶۹-۴۷-۳۵-۳۱-۲۷ دست به اعتراض زدند. کارگران خواستار پاسخگویی مدیریت شرکت، مهندس گلپایگانی در رابطه با وعده‌های عمل نشده و رفع تبعیض در پرداخت ها شدند. با توجه به حضور نیافتن مدیریت، نمایندگانی برای خاموش کردن اعتراضات به میان کارگران آمدند که با واکنش تند کارگران روبرو شدند. خواسته های کارگران ارکان ثالث اجرای درست طبقه بندی مشاغل، رفع تبعیض در اجرای ۱۴ روز کار ۱۴ روز مرخصی هستند. کارگران پالایشگاه های گاز از سوی مدیریت پالایشگاه ها تهدید به تغییر خوابگاه ها و یا اخراج کارگران فعال شده و اجرای تست اعتیاد برای شکستن شخصیت کارگران را اعلام کرده اند. کارگران ارکان ثالث چه در پالایشگاه های گاز و چه در شرکت ملی حفاری تلاش برای گسترده تر کردن اعتراضات و محکم کردن اتحاد مابین خود هستند.

یکشنبه های اعتراض!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بازنشستگان شهرهای تهران، اهواز، شوش، کرمانشاه طبق روال همه هفته در شهرهای خود امروز ۱۳ اسفند دست به اعتراض زدند. در اهواز که با راهپیمایی ۷۰ بازنشسته آغاز شد و تا جلوی اداره کل تامین اجتماعی ادامه یافت بازنشستگان شعارهای: «کو مهار تورم/ دروغ نگید به مردم -قانونو کی شکسته/ دولت ورشکسته- پیام ما به دولت/ خجالت خجالت- حاصل کار دولت/ غارت جیب ملت- دولت انقلابی/ دروغ میگی حسابی- بازنشسته حقته و فریاد بز/ نیفته دست راهزن- نه تهدید نه زندان نه اعدام/ نیست جلودارمان» در شوش ۱۰۰ بازنشسته با راهپیمایی و ایستادن در مقابل فرمانداری شعار: «تامین رو غارت کردند/ ما رو بیچاره کردند- تامین اجتماعی/ چه نام اشتباهی- ننگ ما ننگ ما/ مخبر الدنگ ما- نه مجلس نه دولت/ نیستند به فکر ملت-

حقوق بازنشسته/ فقط واسه یه هفته» در کرمانشاه متحد بیش از ۱۵۰ بازنشسته کشوری و تامین اجتماعی گردهم آمده با دادن شعارهای: «آقازاده آمریکاس/ تورمش مال ماست- تا کی سرافکنده/ یا مرگ یا زندگی- دولت فرمایشی/ حقوق فرسایشی- اتحاد اتحاد/ علیه فقر و فساد» به صحبت های سخنرانان گوش دادند. یکی از بانوان گفت: «مردمی که به ما می پیوندند از فقر می نالند از وام های حقیرانه ۲۰ میلیونی ۷ خوان رستم، از اختلاس های صورت گرفته که کجا می رود و اگر این اختلاس ضبط می شود باز به کجا می رود، می پرسند. چرا زندانیان اختلاس گر در پای میز محاکمه سرحال تر از بیرون زندان هستند اما زندانیان مطالبه گر در پای میز محاکمه نابود و داغان حاضر می شوند و برای حقوق قانونی که می خواهند اجرایی شود سنگین ترین حکم ها را می گیرند. کانون بازنشستگان بی کفایت است و کاری برای بازنشستگان نمی کنند فقط پول های ما را با هزینه هایشان به جیب می زنند» در تهران بازنشستگان مستقل متحد با تجمع در مقابل کانون بازنشستگان در مورد نازل بودن مستمری ها که پاسخگوی ۱۰ روز یک زندگی نیست، عیدی توهین آمیز، رایگان شدن درمان که باید شامل همه موارد پزشکی شود و بیمه تکمیلی ظلمی است آشکار به بازنشستگان و خانواده هایشان و اینکه در دهان بازنشستگان دندان نیست و از بی عملی کانون در خصوص این موارد با بازنشستگان صحبت کرد

یکشنبه های اعتراض!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بازنشستگان تامین اجتماعی شهرهای اراک، اهواز، اصفهان، کرمانشاه، تهران، شوش طبق روال همه هفته در ادامه پیگیری خواسته های دادخواهانه معیشتی و درمانی خود، دست به اعتراض زدند. در اراک ۸۰ بازنشسته در مقابل اداره تامین اجتماعی با در دست داشتن دست نوشته هایی در خصوص خواسته های معیشتی و درمانی به میدان آمدند. در اهواز ۱۱۰ بازنشسته با راهپیمایی تا میدان کارگر ضمن دادن شعارهای: «هم دولت هم مجلس/ ظلم می کنند به ملت - تورم اسفبار/ حاکم شده تو بازار» عملکرد دولت و مجلس را به چالش کشیدند. در شوش ۱۰۰ بازنشسته ضمن گردهمایی اعتراضی در مقابل فرمانداری به سخنان سخنرانان که در مورد مستمری ها و جلسه شورای عالی کار سخن می گفتند گوش فرا دادند. در اصفهان ۱۲۰ بازنشسته فولاد در مقابل صندوق بازنشستگی فولاد گرد آمده و خواسته های خود را فریاد زدند. در کرمانشاه متحد ۱۵۰ بازنشسته تامین اجتماعی و کشوری ضمن دادن شعارهایی علیه سیاست های شکست خورده دولت به سخنرانان خود که در مورد خرید باشگاه پر دردرس پرسپولیس صحبت می کردند گوش دادند. در تهران ۴۵ بازنشسته با حضور در مقابل سازمان تامین اجتماعی در اعتراض به خرید باشگاه پرسپولیس گرد آمده، ضمن امضای نامه ای اعتراضی در این خصوص با دیگر بازنشستگان در مورد مسایل بازنشستگی صحبت کردند. در همین حین یکی از مسوولین دفتر آقای موسوی بازنشستگان را دعوت به داخل سازمان برای مذاکره نمود که

در حقیقت ترفندی بود تا بازنشستگان جلوی چشم نباشند که بازنشستگان با اطلاع از این ترفند بیرون آمده و به تجمع خود ادامه دادند. در این تجمع حضور بانوان چشم‌نواز بود. آنچه مشخص است سیاست‌های ضدکارگری نیولیب‌رالیستی اعمال شده به جامعه بازنشستگان را خشمگین کرده که این خشم در انتخابات خود را نمایان ساخت.

دوشنبه‌های اتحاد!

از بس دروغ شنیدیم/ خوب کردیم رای ندادیم!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۱۴ اسفند هزاران بازنشسته مخابرات در ۲۱ شهر تظاهرات هفتگی خود را پی گرفتند. ارومیه، اهواز، اراک، اردبیل، اصفهان، آبادان، بروجرد، بیجار، بندرعباس، تهران، تبریز، سنندج، ساری، شیراز، شهرکرد، رشت، زنجان، خرم‌آباد، قروه، کرمانشاه، همدان در تصرف بازنشسته بود. در شیراز که به خشونت کشیده شده سه بازنشسته به نام‌های رحیمی، اولیایی، علی‌پور دستگیر شدند. بازنشستگان شعارهای: «تا حق خود نگیریم/ توفان به پا می‌کنیم- دولت انتصابی/ دروغ می‌گه حسابی- از بس دروغ شنیدیم/ خوب کردیم رای ندادیم و...» را تکرار می‌کردند. بازنشستگان مخابرات خواهان: «اجرای کامل آیین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات درمانی هستند. در تهران جمعی از بازنشستگان تهرانی در اتحاد با بازنشستگان مخابرات به سردار جنگل رفته و اتحاد و همبستگی خود را به نمایش گذاشتند.

خلوتی مراکز رای گیری روز جمعه نتیجه خلف وعده ها و اعتراض خاموش مردمی است که به هر دلیلی به تجمعات نمی آیند و پیامی روشن به ناشنوایی مسوولین بود که بخشی از این نارضایتی در این تظاهرات هفتگی بازنشستگان تامین اجتماعی، مخابرات، کشوری نمود پیدا کرده است و زحمتگشان از صندوق های رای روی برگردانده بودند.

نه زندان نه اعدام/ نیست جلودارمان

سه شنبه های همبستگی!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۱۵ اسفند بازنشستگان در شهرهای یزد، کرمانشاه، اهواز تجمع اعتراضی برپا داشتند. در اهواز ۵۰ بازنشسته فرهنگی و تامین اجتماعی که در مقابل درب استانداری جمع شده بودند یکی از سخنرانان گفت: «در ۱۱ اسفند مسوولین کشوری پیام مردم را دریافت کردند که چرا به قول خودشان ۶۰ درصد مردم در رای گیری مشارکت نکردند، چون عملکرد مثبتی از آنان ندیدند و با این روند نخواهند دید؟» آنان شعار: «تا کی شرمندگی/ یا مرگ یا زندگی- وعده میدید عمل کو/ زالوهای دروغگو- حاصل کار دولت غارت جیب ملت» در یزد هم ۵۰ بازنشسته فرهنگی و تامین اجتماعی که در خیابان صف بسته بودند و دست نوشته هایی را با مضمون بهبود وضعیت معیشتی و رفاهی در دست داشتند به بوق های ماشین های که آنان را تشویق می کردند پاسخ داده و در این میان حضور بانوان چشم نواز تر از دیگر جاها بود. در کرمانشاه همیشه متحد بیش از ۱۵۰ بازنشسته فرهنگی و تامین اجتماعی و کشوری گرد هم آمده بودند و شعارهای: «ای دولت دروغگو/ حاصل وعده هات کو- از بس دروغ شنیدیم/ دیدید که رای ندادیم- معیشت منزلت/ حق مسلم ماست- نه زندان نه اعدام/ نیست جلودارمان» را می دادند.

در هر سه تجمع یکشنبه و دوشنبه و سه شنبه شعارها در خصوص برنامه های ضد زحمتکشان دولت و نابودی هرچه بیشتر سفره های زحمتکشان بود و هدف این شعارها دولت می باشد. در بیش از سه ماه اخیر تظاهرات بازنشستگان که علیه ندادن رای شکل گرفته بود در ۱۱ اسفند خود را نشان داد. هزاران بازنشسته بدون داشتن تریبون و امکان تبلیغات در شهرها به مسولین نشان دادند که بدون پول و امکانات تبلیغی این زحمتکشاند که می توانند در صفی فشرده تنور ضد رای دادن را گرم کنند.

سه شنبه های همبستگی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۲ اسفند بازنشستگان در شهرهای کرمانشاه و اهواز تجمع اعتراضی برگزار کردند. ۲۰۰ بازنشسته تامین اجتماعی، کشوری با شعارهای: «اتحاد اتحاد/ علیه فقر و فساد - یه اختلاس کم بشه/ مشکل ما حل میشه» گرد هم آمده و به سخنرانی دوستان خود که آرزو کردند «مجلسیان و دولتیان در این آغاز سال نوح و حقوق بازنشستگان را به رسمیت بشناسند» گوش دادند. در اهواز نیز ۸۰ بازنشسته تامین اجتماعی، کشوری، فرهنگیان با شعارهای: «شورای عالی کار/ خیانت نکنید باز - یا مرگ یا زندگی/ ننگ بر این زندگی» را فریاد زدند. بازنشستگان در هر دو شهر در مورد کسر یک میلیون تومان از مستمری ها توسط کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی صحبت می کردند و همگی اذعان داشتند که این حيله ای برای بریدن گوش بازنشستگان بود که با هشیاری و اعتراض همگی بازنشستگان در سراسر ایران خنثا شد. کانون بی خاصیت عالی بازنشستگان بدون اطلاع و نظر مساعد بازنشستگان و فقط با ارسال یک پیامک اقدام به برداشت یک میلیون تومان از مستمری ها کرده بود، که با اعتراض سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی به غلط کردن افتاد و به سرعت پول های برداشت شده را به حساب ها بازگرداند.

مانند همیشه نیستیم چون دگران

عید آمد و ما کارگران دل نگران

از بخت زمان بهره ی ما رنج گران

در شادی و شورند، مبارک باشد

(بهروز)

نئولیبرالیسم در همه زوایای زندگی!

نئولیبرالیسم همه چیز را از دریچه سود می بیند و برایش فرقی نمی کند که شما خواهان ساندریچ هستید یا درمان و یا دیدن یک فیلم، باید این موارد برایش سود خوبی داشته باشد. نمی توان به نئولیبرالیسم پرداخت و آن را تنها از دریچه یک بعد از اقتصاد دید. نئولیبرالیسم همه جنبه های زندگی انسانی را تحت تاثیر سود خود قرار داده است و با هر پدیده ای که به مخالفت با این سیستم برخورد مقابله ای سخت خواهد داشت. برای مثال شما هیچگاه نمی توانید فیلمسازی بیابید که علیه نئولیبرالیسم فیلم بسازد و وضع مالی خوبی پیدا کند به همین خاطر است که سینماهای ایران پر شده است از فیلم های مبتذل شاد که جیب زحمتکشان را خالی ولی جیب نوکران نئولیبرالیسم را پر می کند. در عرصه کتاب شما با تیراژ ۲۰۰ تایی نوشته هایی روبرو می شوید که نئولیبرالیسم را تبلیغ نمی کند اما کتاب های «چگونه پولدار شویم» به چاپ های هفتم و هشتم می رسد. پژوهشگاهها خالی از متفکران شده و هر روز استادی را از دانشگاه بیرون می کنند که چرا به ساحت نئولیبرالیسم اعتراض کرده اما کسانی چون موسی غنی نژاد که دوان دوان درس دکترای خود را در فرانسه نیمه کاره گذاشته برای تبلیغ این تفکر ضدانسانی به ایران آمده همچنان بر کرسی دانشگاه تکیه زده و ماندگار باید باشد. در عرصه لباس، مدلینگ کاری جز تبلیغ سکس و برهنگی در سراسر دنیا ندارد. چرا؟؟ چون سکس بعد از مواد مخدر بیشترین درآمد را برای نئولیبرالیسم داد. سالهاست در فیلم های مشهور دنیا با تابلوی دفاع از آزادی، به تبلیغ همجنسگرایی برای فروش بیشتر مشغولند. سن بازنشستگی باید بالا رود تا شیره جان انسانها تا آخرین روز حیات کشیده شود. هوش مصنوعی را نه برای راحتی انسانها بلکه برای رباتیک کردن کار و استثمار بیشتر بشریت به کار گرفته اند. حوادث کار هر سال فزونی می گیرد و در همین راستا خودکشی نیز سیر صعودی دارد. همه این موارد نتیجه اجرای سیستم نئولیبرالیسم در جهان و ایران است. همانگونه که استادان بی مایه و ضد بشری آقایان مسعود نیلی و موسی غنی نژاد به آنان یاد داده اند: «اگر پول داری زندگی کن وگرنه طوق بندگی را تا ابد بر گردن داشته باش چون از آموزش و درمان رایگان دیگر خبری نخواهد بود». به قول مروجان

نئولیبرالیسم زندگی انسانها در گروه ثروتمند شدن است. به قول بیل گیتس: «اگر پول داری می توانی از داروی ضد کرونا استفاده کنی، وگرنه برو بمیر»

نئولیبرالیسم مرگ را هم گران کرده است! برای آنکه بدانیم نئولیبرالیسم با مرگ انسانها چه می کند به این خبر توجه کنید: «گرانی به «مرگ» هم رسید. وبسایت «روزگار خودرو» گزارش داده که هزینه حمل «میت» داخل تهران حدود ۱ تا ۱.۵ میلیون تومان است.» یعنی اینکه یک ایرانی حتما حقش نیست که در کشورش یک وجب خاک و مرگی بی هزینه داشته باشد. از مرگ ما هم نئولیبرالیسم باید پول در بیاورد. مجریان نئولیبرالیسم وطن را که می فروشند هیچ، مرگ را هم می فروشند. آنان کاسب هستند و برایشان فرقی نمی کند از چه راهی پول کسب کنند. مازیارگیلاتی نژاد

عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۳ اسفند ۱۴۰۲

دستمزد کارگران و خرید پرسپولیس!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، به گفته رسانه های جمعی وزیرکار ۲ هزار میلیارد تومان چک برای پرسپولیس کشید. فارغ از اینکه چرا هر بنگاه پر چالش و به درد نخوری باید به سازمان تامین اجتماعی بابت بدهی داده شود و مگر واگذاری کارخانه هیکو چه گلی به سر تامین اجتماعی زده که دوباره باید از این سوراخ گزیده شود، موضوع دیگری است. اما موضوع دروغگویی های پی در پی وزیر کار است. از سویی در مذاکرات مزدی در شورای عالی کار گریه می کنند که پول ندارند و افزایش دستمزدها را باری بر دوش دولت و تامین اجتماعی می دانند، و برای همسان سازی مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی ادعای بی پول می کنند، ولی ناگهان ۲ هزار میلیارد تومان چک نقد برای یک باشگاه پر از بدهی می کشند. مشاورین اتاق بازرگانی که بخشی از آنها در مذاکرات مزدی در شورای عالی کار حضور دارند و تمامی تلاش خود را برای نابودی زحمتکشان با تصویب کمترین دستمزد به کار گرفته اند، از سوی دیگر برای غارت اندوخته های تامین اجتماعی به وزیر کار مشاوره خرید پرسپولیس می دهند، آگاهانه در تلاشند تامین اجتماعی را به نابودی بکشند. جالب اینجاست که دروغگوهای کم حافظه بالاخره مشخص نمی کنند این باشگاه خریداری شده و یا به جای بدهی دولت داده شده است. البته در این شیر تو شیري شاید هم ۲ هزار میلیارد تومان را گم کنند و به جیب آقازاده های دلال برای رفتن به کانادا بروند و هم به عنوان پرداخت بدهی دولت به تامین اجتماعی در بودجه گنجانده شود.

عملکرد نمایندگان مجلس و کاندیدای کنونی!

حال و هوای رقابت برای ورود به مجلس با برگزاری شوهای رقص و آوازخوانی و دعوت از گنده لات های تهرانی، پول ریزی بر سر برخی از کاندیداها و دادن وعده های فضایی و یا در بهترین حالت نوشتن سمت ها و تحصیلات کاندیداها چیزی است که پیش چشم مردم رقم می خورد. مردم از خود می پرسند این ولخرجی ها از کجا تامین می شود؟ و قرار است این کاندیدا و نماینده بعدی مجلس در حق مردم چه کند؟ به نماینده ای که بارها از سوی کارگران حوزه انتخابیه اش مشکلات را نوشته و در دیدارهای حضوری به او گفته اند دنبال مشکلاتشان باشد ولی در آخرین دیدار این کارگران را از خود رانده چه رای می باید داد؟ وقتی کارگران در مقابل پتروشیمی ابوالفارس به فرماندار و نماینده مجلس و کاندید فعلی گفته اند ۴ ماه حقوق نگرفته اند و خانواده هایشان گرسنه اند اما با بی اعتنایی این نماینده روبرو شده اند، چه رای می باید بدهند؟ نمایندگان مجلس و کاندیداها هم وقتی تمام قد کمر به نابودی اقتصاد کشور و معیشت زحمتکشانشان بسته و با افتخار به لایحه هفتم توسعه رای مثبت داده اند تا تامین اجتماعی متلاشی و کارگران و بازنشسته ها مقدراتشان به دست پدر سوخته های اتاق بازرگانی رقم بخورد، چه رای می باید بدهند؟ نمایندگانی که راضی به حذف شرکت های پیمانکاری نیروی انسانی نشده اند و در مقابل اختلاس هایی که از جیب مردم شده به ویژه اختلاس چای دیش و دزدی آشکار کوروش کمپانی و وکیلی که مردم به او پول داده اند تا داد مردم را از کوروش کمپانی بستاند ولی سر از خارج کشور در آورده، خاموشند چه رای می باید بدهند؟ کاندیداها هم که حضور گسترده بازنشستگان تامین اجتماعی را در روزهای یکشنبه اعتراضی و دوشنبه های اتحاد بازنشستگان مخابرات و روز سه شنبه های همبستگی بازنشستگان لشگری و کشوری شهرشان را ندیده و برای یکبار نرفته اند که بپرسند دردتان چیست از چه کسانی انتظار رای دارند؟ واقعن قرار است برای چه طبقه و قشری نمایندگی کنند؟ به قول روزنامه گل آقا، این نمایندگان قرار است با دوچرخه به مجلس بروند و بعد از چهار سال با ماشین بنز خارج شوند، این چنین ولخرجی می کنند.

تحریریه پیام سندیکا اسفند

برخورد ناشایست و زنده با کارگران پروژه ای در پتروشیمی صدف!

📌 درود به کارگران سرزمینمان 📌

در پتروشیمی صدف عسلویه که یکی از بدنام ترین شرکت های پتروشیمی های عسلویه در ناسپاسی به حقوق کارگران می باشد؛ از همان بدو ورود که نزدیک درب یا گیت حراست می شویم بایستی بیرون درب پتروشیمی در انتظار نفر اداری شرکت پیمانکاری بمانیم تا بیاید و مدارکمان را که شامل کارت های شناسایی و پایان خدمت و گواهی عدم پیشینه کیفری می باشد از ما بگیرد. بطور معمول کارگران دو تا پنج روز پشت درب پتروشیمی منتظر مانده تا به گفته خودشان مدارک را مورد بازبینی قرار دهند و اصلن برای کارفرمای پتروشیمی مهم نیست که کارگران در پشت درب پتروشیمی چگونه بایستی به سر ببرند.

کارفرمای این پتروشیمی و رییس حراست و پیمانکاران هیچ درک درستی از منش راستین برخورد با کارگران، حقوق آن ها و ارزش آن ها برای کار و کارگری ندارند. کارگرانی که از شهرستان های دور و با مسافت ها زیاد ره پیموده و با وجود بی خوابی به سر برده اند تا به عسلویه بیایند و برای کار استخدام گردند را بدون آنکه در همان هنگامه نخست ورودشان به آن های آموزش های ایمنی را بدهند؛ را دو تا پنج روز پشت درب حراست بدون آب، بدون سایه بان و بدون دستشویی همان جا می کنند و حتا نمی گذارند که کارگران برای دستشویی رفتن به درون پتروشیمی بروند. تشنگی و فشار دستشویی کارگران را دلزده و دچار خودخوری بسیار می نماید و عزت نفس آن ها را پایین می آورد و این اهرمی است که در زمان تعیین حقوق، کارگر خسته و دلزه و عصبانی را مجبور می کند با اعصابی خراب به دستمزدهای پایین تر از کمپین تن بدهد.

شرکت جهانپارس در این پتروشیمی در شیدادی همتا ندارد. هم به قوانین کمپین کارگری پایبند نیست و بر اساس بیست و سه روز کار و هفت روز مرخصی به کارگران دستمزد می دهد. دستمزدهای کارگران در این شرکت بسیار پایین بوده

و پیمانکاران با آنکه بر اساس ۲۰ روز کاری دستمزد می دهند؛ ولی این دستمزدها هم بسیار پایین هست.

این پیمانکاران که بسیار نابکار و نوکیسه هستند؛ تنها هدفشان این هست که برچسب یا مجوز پیمانکاری را با هر بهایی اندک بخرند و در هنگام مناقصه دادن برای انجام کار، پائین ترین قیمت کار را روی میز می گذارند و برنده می شوند. آن ها برای اینکه بتوانند دست و پایی زده و پولی به جیب بزنند و از قافله دزدان عقب نمانند تا آنجایی که شیادی به آنان اجازه می دهد از همه حقوق و دستمزدهای کارگران می زنند و زرنگ بازی در می آورند.

آن ها کمکی ها را به عنوان استاد کار جا می زنند و کمترین دستمزد که بسیار زنده، زشت و ناروا هست را به آن ها تحمیل می دارند تا این کمکی ها به کمپین و استاد کارهایشان خیانت کنند. این کمکی ها که کار بلد نبوده و نیستند در هنگام انجام کار خطاهای بسیار انجام می دهند و کارهایشان ریجکت (غیر قابل قبول) می گردد و کار پیمانکار جزء را خراب می نمایند.

می گویند پتروشیمی صدف به مرحله راه اندازی رسیده است ولی تازه این آغاز کار است تا خرابکاری های پیمانکاران سودجو و نابکار را درست نماییم و شاید هم فرصتی برای درست کردن کارهای ریجکت شده نداشته باشیم. بدا به حال سرمایه های انسانی و منافع ملی کشورمان چون با این کارگران کار ناآشنا و پیمانکاران بزن در رو و بازرسان که با پول تاپید کار می دهند بی تردید در آینده ای نزدیک خرابکاری ها آشکار شده و زیان های جانی و مالی فراوانی در پی خواهد داشت.

ما از کارفرمای پتروشیمی صدف و حراست آن می خواهیم که به کارگران ارج بگذارند و به خاطر این کاغذ بازی هایشان شخصیت و منش کارگران هنرجو و هنرمند را به چالش نکشاند.

و ارتان خرمین، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۱۴۰۲/۱۲/۱۹

هشدار باش به همه مردم ایران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، یکی از بازنشستگان گزارش زیر را برای تحریریه پیام سندیکا ارسال کرده است: امروز از فروشگاه کوروش خرید کردم، مبلغ کل خرید ۴۶۰ هزار تومان فاکتور شد. هنگام کارت کشیدن، شهروندی وارد شد با فریاد و چنین گفت: «شما هر جنسی را ۱۰ یا ۷ هزار تومان گرانتر از قیمت درج شده روی جنس، با من حساب کردید. قیمت شوینده روی آن درج شده ۲۷ هزار تومان اما فاکتور کردید ۳۷ هزار تومان !!!». سایر اقلام هم همینطور بالاتر از قیمت روی جنس است» بنده هم شروع کردم به مقایسه کردن که متوجه شدم دقیقا درست می گوید. هر کدام از اجناس را ۷ هزار تومان یا ۵ هزار تومان گرانتر فاکتور شده بود. در نهایت قیمت کل اجناس من بر طبق قیمت درج شده بر روی اجناس ۳۳۰ هزار تومان می شد اما فاکتور کوروش ۴۶۰ هزار تومان شده بود. بعد از جروبحث، مدیریت عنوان کرد که ما اجازه داریم ۲۶ درصد روی اجناس خود اضافه تر، محاسبه کنیم. اینجانب به عنوان یک شهروند ایرانی، اعلام می کنم که فروشگاه زنجیره ای کوروش، به طرز بی شرمانه ای از یک خرید ۴۶۰ هزار تومانی، مبلغ ۱۳۰ هزار تومان به معنای واقعی کلمه، دزدی می کند.

به دوستان، آشنایان، اقوام و کانال و گروهها اعلام کنید تا از این فروشگاه های زنجیره ای کوروش خرید نکنند و یا اگر خرید می کنند قیمت ها و مبلغ کسر شده را مقایسه کنند. اطلاع رسانی شما، باعث کمک به مردمی می شود که حوصله و وقت مقایسه قیمت اجناس را با فاکتور فروشگاه ندارند. ممکن است که مردمی ساده و بیسواد باشیم اما احمق نیستیم.


نتایج دانشمندان در خدمت سرمایه داری!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با کمک خیرخواهانه!!! ذوب آهن به بخش ویروس شناسی دانشگاه اصفهان «شیر فراویژه حاوی آغوز» تولید شد. محصولی که ایمنی بدن را در مقابل بیماری ها بسیار ارتقا می بخشد. اینگونه محصولات که با تلاش دانشمندان جوان ایرانی و با هزینه کارگران تولید می شود و بعد دو دستی به بخش خصوصی داده می شود که جیب هایشان را پر پول کنند، هرگز در خدمت عموم جامعه و کارگران قرار نخواهد گرفت و فقط تبلیغاتی است که «ما هم به فکر کارگران هستیم»، مدیران می باشد. وگرنه اگر مدیران ذوب آهن این قدر به فکر سلامتی کارگران هستند چرا تحویل شیر به کارگران عقب می افتد. در آخرین نامه ای که به مدیریت از سوی کارگران نوشته شده، آمده است: «برنامه ریزی جهت توزیع منظم سهمیه شیر کارکنان بر اساس گراف تعیین شده»
برو این دام بر مرغ دگر نه/ که عنقا را بلند است آشیانه


چه کرده اید؟


مدیر آبفا می‌گوید: درپوش‌های آهنی فاضلاب‌ها را در شهر می‌زدند. رئیس مخابرات می‌گوید: سیم‌های تلفن را در سطح شهر می‌زدند. مدیر اداره برق می‌گوید کابل‌های برق را در شهر می‌زدند. مدیر گاز می‌گوید: فشنگی علمک گاز منازل را در شهر را می‌زدند. شهردار می‌گوید ابزار و وسایل و تجهیزات ساخت و ساز، لامپ‌ها، گل‌های میدان‌ها و پل‌های آهنی روی جداول را در سطح شهر می‌زدند. پلیس راهور می‌گوید: تابلوهای راهنمایی و دوربین‌های سطح شهر را می‌زدند. مدیر آرامستان‌ها می‌گوید: از سر قبور مردگان تابلوهای آلومینیومی را می‌زدند! شهروندان می‌گویند: شیرهای آب‌سردکن‌های کنار پیاده‌روها و لیوان‌ها را می‌زدند.

۴۶ سال بودجه‌های فرهنگی- مذهبی کجاها مصرف شده است؟! به فرزندان این مملکت چه آموزش‌هایی داده اید که دزدی شغل رایج شده!


 *ژاپن؛ ما حاضریم خانه‌هایمان را باز کوچکتر کنیم و فضا و امکانات مدرسه‌ها را بزرگتر و بیشتر کنیم. ما برای توسعه‌ی بیشتر کشور هرچقدر در تربیت و جذب معلمان سرمایه‌گذاری کنیم، کم است.

جهانگیری: مشکل آموزش و پرورش ما، جمعیت زیاد آن است !!

 *آلمان؛ سه گروه نباید پشت چراغ قرمز بمانند: آتش‌نشانی، معلم و آمبولانس؟! ***وزیر آموزش و پرورش؛ *تعاونی فرهنگیان معرفی نامه می‌دهد تا همکاران بتوانند از فروشگاه‌ها قسطی خرید کنند !!**

 *کویت؛ دولت در سال، چند بار به معلمان چک سفید می‌دهد.


وزیر آموزش و پرورش ایران: معلم ها به جای آنکه به فکر اضافه حقوق باشند، بفکر شغل دوم و سوم باشند!!

 *فرانسه؛*

ثروتمندان در مسیر شهرک معلمان خانه می خرند، تا دیگران فکر کنند آن ها هم معلم هستند.

 *آلمان؛*

فرزند بزرگم پزشک است اما فرزند دومم به دنبال هدف بالاتری است می خواهد معلم شود. یک پدر المانی"

 *بریتانیایی*

فرزندم یک نابغه است، او توانایی معلمی دارد. یک پدر انگلیسی"

 *آلمان*

شما می خواهید حقوقی همسان با تربیت کنندگانتان داشته باشید؟! فریاد *آنکلا مرکل رییس جمهور آلمان* بر سر صنف پزشکان و مهندسان

 *ایران*

حقوق معلمان برای دولت بار مالی دارد!! ...

سرمایه داری نئولیبرالیسم، آموزش و پرورش را برای زحمتکشان و فرزندان حق نمی داند. زحمتکشان و فرزندانشان برده های مدرنی هستند که فقط باید کار کنند و بمیرند.

دیده گر کس به خطا بست و را کور مدان هم مپندار که لالیم اگر خاموشیم

موم بر لب زدگانیم ، ولی اهل دلان نیک دانند که ما چون خُم می در جوشیم

خسته از شرب یهودیم دگر باداباد ساغر باده بیارید که شادان نوشیم

بهر روز

وام

رییس شعبه صندلی اش را گردانده روی به مشتری بانک نشسته و گرم گفت وگو با او بود. آن دو با لبخند و نگاهی پر از محبت به هم خیره شده بودند انگار که دوستانی شفیق هستند. مشتری مردی جوان بود که ته ریشی بر صورتش خودنمایی می کرد. او یک پایش را روی پای دیگر انداخته بود و فنجانی چای روی میز کوتاه جلوی او دیده می شد. رییس شعبه چنان گرم گفت وگو شده بود که حواسش به دورو بر نبود. یک آن متوجه شد کسی در جلوی او ایستاده و صدای آرام او را شنید که سلام کرد. سر که برداشت مردی میانسال را در برابر میزش دید. او کت وشلواری معمولی پوشیده بود. دکمه های جلوی کتش را انداخته و یقه پیراهنش را هم تا زیر چانه بسته بود. سیلی کشیده و جوگندمی روی دهانش خودنمایی می کرد و صورتش را حسابی تراشیده بود. با این وضع قیافه ای اداری مآب داشت. یکباره رییس شعبه دچار دلشوره شد و تند از جا پرید گویا که مچش را در حین کاری خلاف گرفته باشند. بعدها هر بار که رفتارش را در آن روز به یاد می آورد رفتارش را بی جا می دید و خود را سرزنش می کرد و از آن واکنش که ترس و نگرانی اش را لو داده بود، از دست خود عصبانی می شد؛ ولی خیلی زود آرام می گرفت و تبسمی بر لبانش نقش می بست و با خود می گفت: «پیش می آد!» و هر بار به نحوی حرفش را کم یا بیش می کشید و با این یادآوری که نتیجه اش ختم به خیر شده بود، تبسمش به لبخند تبدیل می شد. آن روز از بس نگران شده بود که یادش رفت سلام آن مرد را جواب بگوید و به همین بسنده کرد که بگوید: «خوش آمدید حاج آقا» و به سمت صندلی هایی که تنها یکی شان پر بود اشاره کرد: «خواهش می کنم بفرمایید». مرد با تکان دادن سر و ادای کلماتی که رییس شعبه نشنید رفت روی نزدیکترین صندلی نشست و همزمان به مرد جوان که نشسته بود سلام گفت. در حالی که رییس شعبه با رنگ روی باخته، همچنان سر پا ایستاده بود و با تشویش او را تماشا می کرد. سپس کمی به خود آمد و چون دید هنوز پشت میزش است با احساس شرمندگی به طرف صندلی های مخصوص مشتریان آمد و در ضمنی که خود نیز می نشست گفت: «در خدمتان هستم» و مثل آدمی مشتاق، به دهان مرد میانسال چشم دوخت. مشتری جوان خم شد و یکی از برگه های راهنمای سرمایه گذاری و افتتاح حساب را که روی میز ریخته بود برداشت و خود را به ورق زدن آن مشغول کرد. مرد میانسال زانوهایش را به هم چسبانده بود و به نظر می رسید معذب است گفت: «راستش خدمت رسیدم که...» و سکوت کرد چون دید که رییس شعبه حواسش نیست. رییس شعبه

داشت در خود کاوش می کرد که این بازرسها هر دفعه به شکل و شمایلی ظاهر می شوند، سراغ شعبه ها می آیند تا از کارها سر در بیاورند؛ و آنهایی که از مرکز می آیند حرفه ای تر هستند و دوست دارند بدون اطلاع قبلی بیایند. سپس از اینکه دست طرف را خوانده و زود متوجه شده بازرس است بر خود آفرین گفت. در این حین مرد میانسال دوباره شروع کرد به حرف زدن: «راستش خدمت رسیدم که ...» و این بار دید که رییس شعبه با حواسی جمع به او خیره شده، پس قوت دل گرفت و ادامه داد: «بله، راستش قصد ندارم مزاحمتان بشوم. فقط ...» و دید انگار رییس شعبه باز حواسش پرت شده و جایی دیگر سیر می کند. رییس شعبه با خود گفت: «عجب ناقلابیست. خیال کرده من گول می خورم. نمی داند که دستش را خوانده ام. فعلاً دل بدهم ببینم تا کجا می خواهد پیش برود» و باز اشتیاقش را به شنیدن نشان داد و کمی به سویش خم شد گفت: «خواهش می کنم فرمایشتان را بفرمایید. سراپا گوشتم» مرد این بار معطل نکرد و چنانکه بخواهد از فرصتی مهم استفاده کند بدون معطلی توضیح داد: «امروز که به سایت مراجعه کردم، دیدم پرداخت وام دخترم را به شعبه شما واگذار کرده اند. آخر دخترم ازدواج کرده...» رییس شعبه با قیافه ای که تردید در آن موج می زد، پرسید: «وام؟!» و چنان این پرسش را پرسید که گویی سخنی عجیب شنیده باشد: «بگذارید ببینم! لطفاً اسم دخترتان را بفرمایید» و در حینی که از جایش برمی خاست به سمت میزش برود با خود گفت: «شاید این حقه جدیدشان باشد که خود را متقاض وام معرفی کنند تا ببینند چه طوری کار می کنیم. حالا معلوم می شود» و نشنید مشتری نورسیده چه اسمی را گفت. وقتی پشت میزش آرام گرفت و به کامپیوترش وارد شد باز پرسید: «فرمودید اسم دخترتان چه بود؟» و تا آن مرد اسم را تکرار کرد دست هایش جنبیدند و اسم را وارد برنامه کردند. طولی نکشید که با تعجب و خشمی که نمی توانست پنهانش کند گفت: «بله. اسمش اینجا هست. خُب، ...» سپس درنگی کرد و اضافه نمود: «ولی تعداد وام گیرندگان زیاد بوده اند و پرداخت دیگری ممکن نیست. سقف اعتبار ما پر شده.» صورت مرد میانسال را غم گرفت و با پریشانی که بر او غالب شد چهره غم گرفته اش کمرنگ شد و دلواپسی آن را پوشاند. مرد از جایش برخاست و با لحن التماس آلودی گفت: «ولی قربان! تا حالا بارها در سایت بانکها ثبت نام کرده ایم و این بار خیلی به موقع متوجه شدیم. همین امروز صبح برایمان پیام آمده و شعبه شما را معرفی کرده. فوری پا شدم خدمت رسیدم.» رییس گفت: «نه متأسفانه دیر شده. سقف ثبت نامی ها پر شده و اعتبارمان دیگر محل ندارد» مرد با لحن آدمی درمانده با صدایی زیر و خیلی آرام گفت: «ولی دخترم یک سال است که عقد کرده و باید جهیزیه اش را بخرم» و آمد جلوی میز رییس

شعبه خبردار ایستاد: «خواهش می‌کنم مساعدت بفرمایید. آبروم در خطرست. من هم روزگاری کارمند بوده‌ام و حالا بازنشسته‌ام. میان مردم آبرو دارم. لطفا کمک کنید! همه مدارکش را آماده داریم هر چه هم کم باشد قول می‌دهم تا ساعتی دیگر بیاورم. خودم هم ضامنش میشوم» رییس شعبه که خیالش تخت شده بود که بازرسی و غافلگیری در میان نیست به پستی صندلی گردانش تکیه زده و هر لحظه بیشتر به آن فشار می‌داد و در آن فرو می‌رفت در این ضمن با آسودگی داشت زیر میز با پاهایش رنگ می‌گرفت گفت: «نه آقا! حرف این چیزها نیست. اصلاً وامی در بین نیست» مرد گفت: «ولی آخر در سایت اسم دخترم ثبت شده و امروز پیام آمد که...» رییس ادامه داد: «... برای خودشان می‌برند و می‌دوزند بدون اینکه اعتبارش را تأمین کنند. وقتی پولی در بین نیست چه طوری وام بدهیم» و روی کرد به مرد جوان که حالا داشت آخرین جرعه‌های چایش را سر می‌کشید؛ و ادامه داد: «می‌بینید تو را به خدا چه دردسری برای ما درست می‌کنند؟! بی حساب و کتاب اسم مردم را می‌زنند توی سایت و برایشان پیام می‌فرستند برو وامت را بگیر» آن مرد به نشانه موافقت سری تکان داد و تبسمی کرد. رییس شعبه پس از نگاهی به حال نزار مرد میانسال خواست نشان بدهد خیرخواه است: «آقا! لطفا خودت را اذیت نکن. وقت تان تلف می‌شود. دوباره در سایت ثبت نام کنید؛ چه بسا زودتر وام تان را بگیرید: و نیم خیز شد و با نگاهش به مرد فهماند زحمت را کم کند. مرد که حالا قدری خمیده به نظر می‌رسید سری تکان داد و گفت: «ببخشید، مزاحمتان شدم.» و پشت کرد به طرف در خروجی رفت. رییس شعبه خطاب به مشتری قبلی گفت: ن گناه دارد این جواری مردم را سر کار می‌گذارند. آخر وقتی اعتبار نمی‌دهید چرا تشویق شان می‌کنید ازدواج کنند که بعد هم بیفتند به عمو عمو.» آن مرد اینبار هیچ واکنشی نشان نداد.

-خُب، ببخشید وقت شما را هم تلف کردیم. خیال کنم دیگر کار پرونده شما تا حالا تمام شده باشد. الان از اعتبارات میپرسم» و گوشی تلفن را برداشت به آن طرف گفت: «اگر کار وام آقای سلطانی آماده است پرونده‌هاش را بیاور. بنده خدا دو ساعت است که منتظرست.» وقتی گوشی را گذاشت خطاب به مرد گفت: «خیال می‌کنند دارند شاخ غول می‌شکنند. ای بابا! پانزده میلیارد تومان وام مضارب‌های که دیگر این همه دنگ و فنگ ندارد. از تنبلی نوبرند به خدا» این را گفت و با لبخندی مشتاقانه مرد را تماشا کرد.

بی خود و بی گناه

به عیادت عزیزی رفتیم. با پسرش همسن بودم و همبازی. اما او در زمان جنگ کشته شد. عزیزی و شوهرش از قبول کمکهای دولتی خودداری کردند. گفتند: «ما تاوان خون پسرمان را نمی‌گیریم.» چندی بعد پیرمرد دق کرد و عزیزی تنها شد. سالها که گذشت؛ به تدریج هرچه از مالشان مانده بود ته کشید و عزیزی با فقر روزگار را می‌گذراند. وقتی شنیدیم بدحال است و در حال مردن، بی معطلی شال و کلاه کردیم به خانه اش رفتیم؛ همان تک اتاق اجاره ای در گوشه ی حیاط. عزیزی روی تخت فلزی کوچکی به پهلو دراز کشیده بود. روی دیوار کنار تخت، عکس پسر شهیدش پونز شده بود.

خاموش پای تخت نشستیم. دقایقی بعد چشمانش را گشود و متوجه ما شد. مرا شناخت و فوری با انگشت به عکس اشاره کرد. و به سختی نامش را برد: «محمدرضاست!»

زنم نزدیک رفت آرنج یک دستش را روی لبه ی تخت گذاشت تا اگر عزیزی می‌خواهد حرفی بزند بهتر بشنود. او چشم گرداند به طرف من و آهسته در حدّ نجوا با لحنی پر از پرسش گفت: «روله! بی خود و بی گناه!؟» و با نگاهی به عکس محمدرضا اشاره کرد.

زنم روی سر عزیزی خم شد صورتش را بوسید و سر برداشت روی به من گفت: «منظورش پسر ما هم بود! ... حتماً خبر شده که در خیابان کشتنش!» و بغض کرد. قطرات اشک که در چشمانش سرگردان مانده بودند پایین بیایند یا نیایند عاقبت تاب نیاوردند و پلپل سرازیر شدند. بعد تنّدی روی گرداند اشکهایش را نبینیم.

محمد مسعود

ضحاک که نفرین جهان بر او باد در مهر ، گت مهتریش از کف داد

نون نیز سرود کاوه را می شنویم بر جای نمائد ستم و استبداد

بهروز (به مناسبت جنبش ۹۹٪)

کارگر

جهان ، کارگر بی تو پاینده نیست
 دل مردمان، شاد از کار تُست
 ز نیروی کارت، بها سنگ یافت
 به تندیس بخشید جان، کار تو
 به گیتی ز تو زندگی شد پدید
 دل نقره و زر چو بشکافتند
 تو را کار، سرمایه کشور است
 ز نیرنگ سوداگر دیو خو
 به پا خیز امروز دیروز نیست
 توانی تو در هم بکویی ستم
 فرو ریز بنیاد خونخوارگان
 چراغ کسی، بی تو تابنده نیست
 بر و بوم، آباد از کار تُست
 بهار خزان دیده ام ، رنگ یافت
 به گفتارش آورد، کردار تو
 ز رنج تو در خاک هستی دمید
 نشان از تو و کار تو یافتند
 نه سرمایه داری که غارتگر است
 تهی شد تو را کیسه، پُر گشت او
 تو را زندگی تلخ ، از بهر چیست؟
 مبادا، نشینی تو در کنج غم
 کز آنان به گیتی نماند نشان

علی جعفری (کارگر) عضو سندیکای کارگران معدن شمشک ۱۳۲۴

نوروز مبارک به شما کارگران
 امید که رخشان شود این دوره ی تار
 هرچند به دل نهفته اندوه گران
 پُر نور شود وطن کران تا به کران
 بهروز

خاطرات یکی از مدیران مدرسه!

در یک مدرسه راهنمایی دخترانه چند سالی مدیر بودم. روزی چند دقیقه مانده به زنگ تفریح، مردی باظاهری آراسته وارد دفتر مدرسه شد. گفت: «با خانم ناصری دبیر کلاس دوم کار دارم. می‌خواهم درباره درس و انضباط فرزندم از او سؤال کنم». از او خواستم خودش را معرفی کند. گفت: «من گاو هستم! خانم دبیر بنده را می‌شناسند! بفرمایید گاو آمده! ایشان متوجه می‌شوند چه کسی آمده!» تعجب کردم و موضوع را به خانم ناصری، دبیر کلاس دوم گفتم. او هم تعجب کرد و گفت: «ممکن است این آقا اختلال روانی داشته باشد. یعنی چه گاو؟ من که چیزی نمی‌فهمم!» ناچار از او خواستم پیش آن مرد بروم. با اکراه پذیرفت و رفت. مرد آراسته، با احترام به خانم دبیر ما سلام داد و خودش را معرفی کرد: «من گاو هستم!» معلم جواب سلام داد و گفت: «خواهش می‌کنم، ولی...» مرد ادامه داد: «شما بنده را به خوبی می‌شناسید. من گاو هستم، پدر گوساله! همان دختر ۱۳ ساله ای که شما دیروز در کلاس، او را به همین نام صدا زدید» دبیر ما به لکنت افتاد و گفت: «آخه، می‌دونید...» مرد گفت: «بله، ممکن است واقعاً فرزندم مشکلی داشته باشد و من هم در این مورد به شما حق می‌دهم. ولی بهتر بود مشکل انضباطی او را با من نیز در میان می‌گذاشتید. قطعاً من هم می‌توانستم اندکی به شما کمک کنم» خانم دبیر و پدر دانش آموز مدتی با هم گفتگو کردند. آن آقا در خاتمه کارتی را به خانم دبیر ما داد و رفت. وقتی او رفت، کارت را با هم خواندیم. روی آن نوشته شده بود: «دکتر فلانی، عضو هیأت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه...»

چند روز بعد از ایشان خواستم یک جلسه برای معلمان صحبت کنند، در کمال تواضع خواسته ام را قبول کردند، سخنرانی دلپذیری داشتند. ایشان می‌گفت: «خشونت آن گونه که ما فکر می‌کنیم فقط محدود به خشونت فیزیکی و بدنی نیست. عموماً ما درگیری‌های فیزیکی یا تعرض جنسی را خشونت می‌دانیم. ولی واقعیت آنست که دامنه خشونت، حوزه‌های گسترده تری دارد از جمله خشونت زبانی. وقتی توهین می‌کنیم و کسی را مسخره می‌کنیم، صاحبان یک عقیده را تحقیر می‌کنیم، وقتی تهمت یا برچسب می‌زنیم یا تهدید می‌کنیم، همه اینها خشونت است. منتها خشونت زبانی. بدون خون و خونریزی است. خشونت زبانی از درون می‌گشاید. تا حالا هیچ کس را دیده‌اید به دلیل اینکه مسخره شده

و یا فحش خورده باشد به اورژانس مراجعه کند؟ یا به پلیس شکایت کند؟ قربانیان خشونت زبانی، اثری از جای زخم بر بدنشان یا مدرک دیگری ندارند. خشونت ابتدا در ذهن شکل می‌گیرد بعد خود را در زبان نشان می‌دهد و سپس زمینه ساز خشونت فیزیکی می‌شود. وقتی رهبر یک گروه سیاسی در جامعه، افراد طرف مقابل را احمق، مغرض و فاسد معرفی می‌کند، ما به عنوان طرفداران او آمادگی لازم را پیدا می‌کنیم که در زمان مناسب با ماشین از روی آنها رد شویم. چرا؟ چون دیگر آنها را شایسته زندگی نمی‌دانیم! وقتی در یک ورزشگاه صد هزار نفری، طرفداران تیم مقابل را با دهها فحش آبدار و ناموسی می‌نوازیم، زمینه را برای زد و خورد بعد از بازی فراهم می‌کنیم. وقتی ما جریان رقیب را فریب خورده و عامل دست دشمن معرفی می‌کنیم، آنگاه حذف سیاسی و فیزیکی رقیب مشروعیت پیدا می‌کند.

وقتی دختر همسایه را داف خطاب می‌کنم، راننده کناری را یابو، مشتری را گاو، دانش آموزم را خنگ و فرد قانون مدار را اُسکُل، همه اینها خشونت های زبانی یعنی آمادگی برای خشونت رفتاری در آینده؛ از تعرض جنسی بگیرد تا صدمه فیزیکی.

چه باید کرد؟

اولین کار این است که **مهارت گفتگو** را بیاموزیم. فقدان مهارت های گفتگو باعث می‌شود افراد نتوانند آنچه که مدنظر دارند را به زبان روشن بیان کنند و ایده و احساس خود را در یک کلام خشن و تند تخلیه می‌کنند. تمرین گفتگو تمرین تخلیه ذهن و قلب به شیوه ای غیرخشونت آمیز است.

دومین کار این است که به خودمان بارها و بارها یادآوری کنیم کشتن آدمها فقط به فرو کردن چاقو در سینه آنان نیست. دختر یا پسر، زن یا مردی که شخصیتش تخریب شده، شرافتش لکه دار شده، عزت نفسش لگدمال شده، دیگر زندگی نرمال نخواهد داشت. به خودم یادآوری کنم جریان رقیب من، تیم مقابل، صاحبان دین و مذهب و اندیشه متفاوت از من، نه بی شعور هستند نه فاسد نه احمق نه هوس باز نه فریب خورده نه ... آنها فقط انسان هستند، درست و دقیقاً مانند من!



آنگاه یاد خواهیم گرفت کلمه گاو را فقط و فقط برای خود گاو بکار بگیرم، نه کمتر و نه بیشتر»

آدم حسابی کیست؟

نوشته ای از ابراهیم نبوی طنزپرداز

اصلاح طلبان ایرانی: اصلاح طلبان ایرانی موجوداتی هستند که همیشه برای اینکه اصلاح کنند، کوتاه می کنند، هیچ وقت هم دراز نمی کنند.

اصول گراهای ایرانی: اصول گراهای ایرانی تنها اصول گراهای دنیا هستند که هیچ اصولی برای رسیدن به قدرت ندارند و وقتی قرار باشد به قدرت فکر کنند، برای رضای خدا با شیطان هم همکاری می کنند و برای حفظ ارزش های دینی از هر کلاهبردار، فاسد و منحرفی استفاده می کنند.

ناسیونالیست ایرانی: فقط چهار دقیقه وقت لازم است که متوجه شویم حداقل ۷۰ درصد ناسیونالیست های ایرانی همان فاشیست هایی هستند که معتقدند خاک و خون شان مقدس و نژادشان بهترین و خالص ترین نژاد جهان است.

سلطنت طلبان ایرانی: سلطنت طلبان ایرانی تنها سلطنت طلبانی هستند که می خواهند حکومت جمهوری تشکیل بدهند.

کمونیست های ایرانی: کمونیست های ایرانی آدم هایی بودند که دوست داشتند به فقرا، یتیمان، روستاییان، بیوه زنان و درماندگان کمک کنند. جلوی فساد و فحشا را بگیرند. دوست داشتند سطح زندگی همه برابر باشد، آنقدر آدم های اخلاقی بودند که حتا در خانه های تیمی شان هم با زنانی که رفیق بودند مطلقن به چشم هوس آلود نگاه نمی کردند. در واقع تنها آدم های واقعن مذهبی ایران همون کمونیست هایی بودند که اعتقادی به خدا نداشتند.

اپوزیسیون ایرانی داخل ایران: اپوزیسیون ایرانی داخلی، تنها اپوزیسیونی در جهان است که به جای اینکه با حکومت بجنگد با بقیه نیروهای اپوزیسیون می جنگد و حتا دیده شده که حاضر است برای از بین بردن بقیه اپوزیسیون، با حکومت هم همکاری بکند.



هنر کنشگری!

کنشگران با تبدیل یک گام بلند پروازانه به گام‌های کوچکتر به بدنه، توانایی حرکت می‌دهند. برای یک کنشگر ثابت قدم هیچ دستاورد جمعی دست نیافتنی نیست بلکه مسئله مدیریت زمان، هزینه‌ها و مدیریت گام به گام و آشنا کردن بدنه به امکان‌پذیری یک گام کوچک و ارتباط آن با گام کوچک بعدی مطرح است. با چندین دهه انفعال بدنه نمی‌توان انتظار داشت که همه ظرفیت یکسانی از خود نشان دهند بلکه ظرفیت افراد و توانایی هر فرد برای برداشتن گامی کوچک در ظرفیت سنجی‌های دقیق و متناوب انجام می‌شود. کنشگران پیوسته راهی برای سنجش وسع و بنیة بدنه می‌یابند و بر اساس آن ظرفیت‌سازی می‌کنند. آیا بدنه از انجام یک کار هراس دارد؟ از او نوعی از مشارکت را بخواهید که از آن هراس ندارد. آیا ممکن است رهبران یک گروه کنشگر هم خودکامه شوند؟ هیچ گروهی نسبت به خودکامه‌سازی بیمه نیست. کنشگران پیشرو هشدار می‌دهند که در فاز دوم جنبش‌ها که گروه‌ها از نقطه تشکیل یک گروه عبور می‌کنند، رهبران کاریزماتیک یک جنبش ممکن است به دلیل قابلیت‌ها و اعتباری که به دست آورده‌اند ممکن است به جای دیگر اعضا تصمیم بگیرند. تصمیم‌هایی که سران یک گروه مطالبه‌گر می‌گیرند ممکن است عملی‌ترین تصمیم و یا بهترین تصمیم مقطعی باشد ولی مهم است که سازمان‌دهندگان یک گروه به اعضا اجازه بدهند که با صرف زمانی کمی بیشتر به نتایج مشترک برسند. رهبران حرکت‌های مطالبه‌گرانه در فازها و مراحل بعدی جنبش تمرین می‌کنند که چگونه با شیوه‌های دموکراتیک، تقسیم مسئولیت کنند و رهبران و مدیرانی بسازند که هنگام توسعه حرکت، گروه بتواند به اتکای آنان گام‌های استوارتری بردارد و متوقف نشود.



به بهانه‌ی زاد روز ژاله آموزگار، استاد و متخصص زبان‌های باستانی ایران

استاد ژاله آموزگار: من ایرانی‌ام، من با پاهای محکم روی خاک‌های این سرزمین راه می‌روم. در شهر خوش‌منظره‌ی خوی [در استان آذربایجان غربی] به دنیا آمدم با مردمان مهربان و در دل آذربایجان عزیز در بالای ایران بزرگ، در درون سر این گربه دوست‌داشتنی. من مانند هم‌نسلانم در مدرسه دولتی، بدون معلم خصوصی درس خواندم و با رتبه یک کنکور شهر تبریز، برای تحصیل در رشته ادبیات، وارد دانشگاه شدم. با بورس دانشجوی برتر در مقطع لیسانس به خارج رفتم. قدر این سعادت را خوب دانستم و به مردمی که با مالیات آن‌ها به این جایگاه رسیدم احترام گذاشتم.

معتقدم که ایرانی، قدرشناس است و به موقع دریچه‌ی قلبش را می‌گشاید و شما را در درون آن جای می‌دهد؛ حتی یک لحظه، حسرت زیستن در جای دیگر را نداشتم. من کجا می‌توانم آغوش‌های گرمی چون آغوش‌های مردم سرزمینم را بیایم. این خاک مال من است این هوا با همه آلودگی مال من و مال شماست. خوبی و بدی‌هایش مال ماست.

من ایرانی‌ام من با پاهای محکم روی خاک‌های این سرزمین راه می‌روم؛ من شما را دارم و شما مرا. ما، با وجود زبان‌های محلی، تاریخ مشترک، زبان رسمی، فردوسی، حافظ، شهریار، بیهقی، دماوند، بحر خزر مشترک و خلیج فارس مشترک داریم.

ما همگی با هم می‌نازیم که به سرزمینی تعلق داریم که از دیرباز مردمان آن خوش‌اندیشیده‌اند؛ سنگ و بُت نپرستیده‌اند؛ در ژرفای اندیشه‌شان به خدایی فراسو ایمان داشته‌اند. ما با هم، فرهنگ مشترک داریم، سرزمینی داریم که کم‌بزرگ نیروورده است فرهنگش شکاف بر نداشته است. در میان آن دیوار نکشید و از گذشته‌مان و همه نداشته باشید.

ما یک فرهنگ مداوم داریم. ما همان کسانی هستیم که کاخ پاسارگاد و ستون‌های تخت جمشید به دست ما بنا شده است و بر صخره‌ی بیستون تاریخ نگاشته‌ایم و در ضمن، همانی هستیم که زیباترین کاشی‌ها را در مسجد شیخ لطف‌الله به کار گرفته‌ایم؛ معماران ما، اصفهان را نصف جهان کرده‌اند. این تداوم فرهنگی و نه گسستگی فرهنگی است.

بیهقی، آرش است؛ او وجودش را در داستان حسنک می‌ریزد تا بدانیم و بخوانیم و عبرت بگیریم. دهخدا، آرش است که از شهری کوچک برمی‌خیزد و در گوشه اتاقش مدادش را می‌تراشد، بر فیش‌های خودبریده واژه می‌نویسد و این مجموعه افتخارآمیز ایجاد می‌شود. شهریار آرش است؛ همه زیبایی‌های کودکی را در «حیدربابا» می‌ریزد تا ما بدانیم چه مردم ساده‌دل و دوست‌داشتنی هستیم. او به معشوقش می‌گوید «آمدی جانم به قربانت» تا ما عشق را فراموش نکنیم.

نالاه ها فریاد از بیداد شد

اندک اندک ناله ها فریاد شد

ناگهان یکسر جهان فریاد شد

زنده ای را کس نمی بیند، خموش

علی جعفری مرندي

اتحاد عمل فراگیر، ضامن پیروزی و قدرتمندی است!

اتحاد عمل فراگیر، این نکته کلیدی در مبارزه جنبش سندیکایی را می‌باید همواره آویزه گوش قرارداد. همچنان که می‌دانیم جنبش سندیکایی تنوع و گستردگی خاص خودش را دارد. وحدت سندیکایی بر پایه این تنوع، جزو خصیصه‌های جنبش سندیکایی است که زمینه گسترده‌ترین اتحادها را ممکن می‌سازد. اعتصاب اخیر کارگران پروژه‌ای، ارکان ثالث، سکوهای صنعت نفت درسی بسیار با ارزش در خود دارد. این اعتصاب‌ها بار دیگر ثابت کرد که “ذهنی‌گرایی” و “اراده‌گرایی” راهی در میان مبارزات کارگران ندارد و تنها با کار پر حوصله و مداوم می‌توان به تفرقه و پاره پاره کردن طبقه کارگر، آنچه در صنعت نفت آگاهانه از سوس مدیران نئولیبرال انجام شده است فایق آمد. از طرفی تجربه‌ای دیگر پیش روی ماست. مبارزات بازنشستگان حاوی درس‌هایی با ارزش‌اند. تجربه موفق اعتراض‌های بازنشستگان تامین اجتماعی، مخابرات، کشوری، فرهنگیان شایسته توجه جدی است. سطح همبستگی و اتحاد عمل در این حرکت‌ها ضامن تداوم آن‌ها بوده است آن چنان که سیاست سرکوب و فرسایشی ساختن این مبارزاتی بازنشستگان که از سوی ارگان‌های امنیتی پیگیری می‌شود، نتوانسته این زحمتکشان را خسته کند و از پای درآورد. دوری از پراکندگی، حضور گسترده بازنشستگان اعم از تامین اجتماعی، مخابرات، پرستاران، و داشتن حدی معین و پذیرفتنی از اتحاد عمل، در این موفقیت نقش داشته‌اند.

چه کنیم شاداب و توانا بمانیم؟

بی تردید بی‌حرکی باعث پیری زودرس خواهد شد. متخصصین سالمندی می‌گویند سالمندانی که تحرک بیشتری دارند، روند پیر شدنشان بسیار متفاوت و کاهش بیشتری نسبت به کسانی که در همین سن هستند ولی تحرک ندارند، خواهند یافت. در کنار ورزش، خوابیدن کافی، تغییر رژیم غذایی و کاهش مصرف نمک، شکر، روغن برای سالمندان معجزه آساست. پس در هر سنی هستید می‌توانید با پیاده روی یکساعته در روز شاداب و توانا و جوان بمانید. مثلاً همانطوری که روی مبل نشسته اید می‌توانید حرکت‌های کششی روی ناحیه گردن، دست، شکم، پا را انجام دهید. قبل از ساعت ۸ شب غذای سبک بخورید و قبل از ساعت ۱۱ بخوابید تا استراحت جسمی و روحی را با هم رقم بزنید. به جای مصرف الکل دو برابر آب بنوشید و از کشیدن سیگار بپرهیزید. شادابی و جوانی در دسترس است فقط باید بخواهیم.

دبیر خانه انجمن کنشگران سالمندی ایران

"نیروی حیات" و "نیروی مرگ" !

«زیگموند فروید»، پزشک اتریشی و پایه‌گذار روان‌کاوی، اعتقاد دارد در طبیعت دو نیروی به ظاهر متضاد فعال‌اند: "نیروی حیات و نیروی مرگ!"

🌀 نیروی حیات 🌀

دست‌اندرکار ساخت و ساز است. این نیرو عناصر و مولکول‌ها را آن قدر «ترکیب» می‌کند تا ساختارهایی بزرگ‌تر، پیچیده‌تر و پویاتر ایجاد شوند. فروید این نیرو را: «غریزه‌ی زایش» یا «لیبیدو» نام می‌دهد.

🌀 نیروی مرگ 🌀

این نیرو ساختارهای بزرگ، پیچیده و پویا را می‌شکند و «تجزیه» می‌کند تا ساختارهایی کوچک و ساده و کم‌تحرک ایجاد کند. فروید این نیرو را «غریزه‌ی مرگ» یا «تاناتو» می‌نامد. شیمی دان‌ها این نیرو را «آنتروپی» نام نهاده‌اند. گرچه به ظاهر غریزه‌ی زایش و غریزه‌ی مرگ برخلاف هم عمل می‌کنند اما همچون دو تیغه‌ی قیچی یا دو بازوی انبر هدف واحدی را دنبال می‌کنند: **🌀 تکامل 🌀 !**

تا زمانی که یک ساختار روبه جهت تکامل داشته‌باشد، غریزه‌ی زندگی از آن حمایت می‌کند. اما هنگامی که یک ساختار از تکامل رو بگرداند غریزه‌ی زندگی آن ساختار را تحویل غریزه‌ی مرگ می‌دهد تا آن را مضمحل و نابود کند و مواد اولیه را برای ساخت یک ساختار جدید تحویل غریزه‌ی زایش دهد.

چه یک "انسان" و چه یک "سیستم بزرگ اجتماعی" از زمانی که از تکامل و رشد سر باز زنند و سکون و ثبات و امنیت را بر رشد و نمو پویا و خلاقیت ترجیح دهند مرگ خود را انتخاب کرده‌اند.

اجماع و اشنگنتی چیست؟

از سال ۱۹۸۰ به بعد سه موسسه صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و خزانه داری آمریکا برای بهتر شدن اوضاع و خروج امور از دست دولت، مجموعه ای را پیشنهاد کردند که این مجموعه شامل: خصوصی سازی، کاهش دخالت دولت، اصلاح نرخ ارز، قطع یارانه ها و حذف تعرفه ها بود. این مجموعه توصیه ها مورد پذیرش دیگر کشورهای جهان قرار گرفت و به دلیل توسعه نیافتگی و نیاز به بانک آن را پذیرفتند. در حقیقت این کشورها آگاهانه و یا ناآگاهانه به دلیل گرفتن وام و یا کمک فنی، سعی در اجرای این مجموعه پیشنهادی کردند. به این مجموعه توصیه ها و پیشنهادات که می توان آن را حرکت به سمت کوچک سازی دولت نام گذاشت، اجماع و اشنگنتی گفته شد. زیرا این سه سازمان در بیان مجموعه پیشنهادات اجماع نظر داشتند. بدین ترتیب یکی از محورهایی که در سیاست های توسعه ای کشورهای غربی دنبال شد، خصوصی سازی بود. لذا روند خصوصی سازی در دولت های ریگان و تاچر از سال ۱۹۸۰ شکل گرفت و نقش محوری ایفا کرد. حسن سبحانی (مدرس اقتصاد و عضو هیات علمی دانشگاه تهران)

آنچه در بالا تعریف شد سیاست نئولیبرالی تدوین شده از سوی سه موسسه حاکم بر جهان سرمایه داری می باشد که تمامی تلاشش غارت هرچه بیشتر منابع مردم کشورهای دنیا به نفع گروهی بسیار کوچک ولی دارای منابع پولی بسیار در دنیاست. متاسفانه با اعمال سیاست های نئولیبرالی دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به کشور ما، تلاش در گسترش خصوصی سازی، تعدیل نیروی انسانی کار، حراج منابع مالی، و رشد نقدینگی بخش خصوصی به ابعادی که در تاریخ کشور ما بی سابقه بوده، تمامی شئون اقتصادی ما را در بر گرفته است. افزون بر آن حاکمیت مافیایی قشر سرمایه داری انگل تجاری و مدیران بورکرات تازه به دوران رسیده همدست این قشر خانن به منافع ملی، بر همه امور اقتصادی کشور ما، همگی نشانگر اجرای سیاست هایی است که در راستای منافع سرمایه داری تجاری - مالی و سرمایه داری بوروکراتیک نوین می باشد. متاسفانه با پیش گرفتن دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در کشور ما، زندگی میلیونها ایرانی در زیر استانداردهای تعریف شده برای فقر افزایش یافته است. گسترش بی سابقه دره ژرف میان فقر و ثروت و رشد هرچه بیشتر ناهنجاری های اجتماعی بیانگر زیر بنای نظام منحط سرمایه داری بیمار حاکم بر میهن ماست.

شرایط نمایندگان مجلس سوئد، یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا

نه دستیار، نه قهوه مجانی، نه حقوق زیاد

این مجلس فقط ۳ تا خودرو برای مناسبت‌های رسمی دارد. انتظار این است که نمایندگان از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنند. تا سال ۱۹۵۷ میلادی یا ۱۳۳۶ شمسی حقوق اصلن دریافت نمی‌کردند، الان حقوقشان ۴۰ هزار کرون سوئد است؛ کمتر از حقوق یک معلم ساده. برای رفت و آمد، سالیانه کارت بلیت اتوبوس به ایشان داده می‌شود. نمایندگان حق ندارند حقوق خودشان را بالاتر ببرند. فقط به نمایندگانی آپارتمان مسکونی داده می‌شود که ساکن استکهلم نباشند. آپارتمان ۴۵ متری بدون اتاق خواب جداگانه. دوست و فامیل‌شان حق ندارند شب را آنجا بمانند، مگر اینکه هزینه اقامت آن شخص را پردازند. در مجلس گارسون وجود ندارد، هر نماینده هزینه غذای خودش را خودش می‌پردازد و ظرف غذایش را هم می‌شورد. نماینده دستیار ندارد، منشی هم ندارد. خودش برنامه‌های کاری خودش را تنظیم می‌کند و تلفن‌هایش را جواب می‌دهد. اگر تاکسی کرایه کند، انتظار این است که نزدیکترین مسیر را انتخاب کند. مجلس اشتراک رسانه‌های مهم‌تر کشور را دارد و همه رسانه‌ها برای نمایندگان رایگان است که مشترک استفاده می‌کنند. اگر بخواهند سفر کاری بروند، باید ارزان‌ترین گزینه مثلاً کویه ارزان‌تر قطار را انتخاب کنند. برای سفر خارجی حق دارند حداکثر ۵۰ هزار کرون معادل ۵۴۰۰ دلار هزینه کنند. هیچ‌گونه پرداخت حقوق مادام‌العمر ندارند، بلکه فقط تا دو سال بعد از پایان دوره نمایندگی به شرط اینکه ثابت کنند که به دنبال کار بودند، می‌توانند تا وقتی که کار گیر بیاورند معادل ۸۵ درصد حقوق نمایندگی‌شان را دریافت کنند. سیاست‌مداران محلی که اصلن حقوق دریافت نمی‌کنند چون کار سیاسی محلی، کار عمومی محسوب می‌شود و حقوق ندارد. این معنای واقعی خدمت به مردم است.

حالا اگر شرایط مجلس ایران هم این گونه بود، باز هم کسی حاضر بود میلیاردها تومان خرج کند که نماینده مجلس بشود؟

عملکرد یکساله انجمن کنشگران سالمندی ایران سال ۱۴۰۲

با درود به همه همسالان گرامی، با توجه به افزایش فعالیت انجمن و همچنین افزایش ۲۰ درصدی اعضا، لازم دانستیم طبق روال سال گذشته روند عملکرد انجمن سالمندان را به اطلاع اعضا برسانیم. با پیوستن دوستان جدید انجمن اقدام به تشکیل کارگروه‌های دبیرخانه، درمان، اداری مالی، محیط زیست، آموزش خوشنویسی و نقاشی، امداد سالمند نمود. این کارگروه‌ها طی ۱۰ ماه فعالیت خود توانستند هم به جذب دیگر علاقمندان بپردازند و هم به گسترش فعالیت انجمن در عرصه‌های بالا یاری برسانند.

الف) دبیرخانه به مسوولیت مازیار گیلانی نژاد

۱- تهیه برنج و فروش ده ماهه به اعضای انجمن به مقدار ۵۵۰ کیلو ۲- برگزاری روز جهانی سالمند، مسابقات تخته نرد، شطرنج، شب یلدا، چهارشنبه سوری در دفتر انجمن ۳- برگزاری نمایشگاه خط و نقاشی استاد پدیده هاشمی مسوول کارگروه آموزشی خوشنویسی و نقاشی انجمن ۴ - دادن هدایا به نفرات برتر مسابقات و دادن هدایا به مناسبت روز پزشک به پزشکان انجمن ۵- امکان حضور اعضای انجمن در مسابقات سالمندی منطقه ۱۱ و کسب مقام اول این مسابقات ۶- خرید کامپیوتر و راه اندازی آن در انجمن ۷- کمک مالی به هموطنان سیل زده سیستان و بلوچستان ۸- انتشار نشریه سالمند ۴ شماره ۹- تجهیز کتابخانه انجمن با موضوعات اجتماعی و تاریخی و شعر با بیش از ۶۰ جلد کتاب به ویژه کتاب‌های تخصصی در مورد سالمندی با بیش از ۳۰ جلد کتاب ۱۰- دریافت ۲ دست شطرنج اهدایی اعضا به انجمن ۱۱- فعالیت در جهت تهیه دو دست ویلچر اهدایی اعضا به انجمن و یک دستگاه کپسول اکسیژن ۲۰ کیلویی ۱۲- امانت دادن ۲ ویلچر به اعضای نیازمند ۱۳- خرید یکدستگاه بخاری برقی و دادن امانی به یکی از اعضا ۱۴- ارسال آذوقه به دو نیازمند سالمند

ب) کارگروه درمان به مسوولیت خاتم خوشنواز

۱- انجام ۳ بار غربالگری قند خون و فشار خون با کمک بخش فرهنگی و اجتماعی شهرداری ناحیه ۱ منطقه ۱۱ ۲- ایجاد امکان تست سرطان روده بطور رایگان برای ۱۵ نفر از اعضا ۳- انجام امکان تست سرطان رحم رایگان برای ۱۵۰ بانو در جمعیت کودکان کار و خیابان ۴- انجام امکان تست ایدز رایگان از ۲۰۰ نفر در جمعیت کودکان کار ۵- دادن عینک رایگان به ۸ نفر از نیازمندان ۶- پرداخت برای یک قلم داروی سرطان ماهانه یکی از اعضا به طور مرتب ۷- تهیه و دادن قرص ویتامین D به ۸ نفر توسط پزشک بطور رایگان ۸- دادن غذا به ۱۵۰ کودکان کار جمعیت کارو خیابان ۶ بار ۹- بافت ۱۱ شال گردن توسط یکی از بانوان انجمن برای کودکان کار ۱۰- ارسال ۴ دست لباس نوزاد به جمعیت کودکان کار و خیابان ۱۱- ارسال ۱۲ بسته لباس به جمعیت کودکان

کار و خیابان ۱۲- تهیه و ارسال ۲ بسته داروی آهن به جمعیت کودکان کار و خیابان ۱۳- توزیع مسواک و خمیر دندان ۴۷ بسته بطور رایگان به کودکان کار جمعیت کودکان کار و خیابان همراه با آموزش درست مسواک زدن ۱۴- انجام «وارنیش» به دندان های کودکان کار و خیابان در محل جمعیت کودکان کار و خیابان به تعداد ۸۰ نفر بطور رایگان ۱۵- اهدای گوشی موبایل ۲ دستگاه برای کلاس های آنلاین نوجوانان خانه ای برای آینده ۱۶- ارسال برنج ۲۵ کیلو به همراه روغن و ماکارونی و قند و شکر به خانه ای برای آینده ۱۷- مشاوره های رایگان توسط روانشناس انجمن به ۲۴ نفر بطور رایگان در دفتر انجمن

پ) کار گروه اداری مالی به مسوولیت ناصر اسالو

۱- تهیه عملکرد مالی سال های ۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ که به تایید دکتر هاشمی و مسوولین کار گروهها قرار گرفت ۲- پرداخت هزینه های انجمن از جمله آب، برق، تلفن، شارژ ۳- ارسال کاغذ نقاشی به جمعیت کودکان کار و خیابان به مقدار ۴۰ کیلو ۴- ارسال نشریه سالمند به ۱۳ شهر ۵- توزیع نان رایگان به تعداد بیش از ۵ هزار قرص ۶- اهدای ۱۰ کیلو برنج به جمعیت کودکان کار و خیابان ۷- اهدای ۳۱۰ جلد کتاب کمک آموزشی به نوجوانان خانه ای برای آینده ۸- اهدای کتاب های اجتماعی و بهداشت زنان ۴۲ جلد به نوجوانان خانه ای برای آینده ۹- اهدای دفتر و مداد به تعداد ۲۲ عدد به جمعیت کودکان کار و خیابان ۱۰- جمع آوری حق عضویت ها و کمک های مردمی

ت) کارگروه محیط زیست به مسوولیت خسرو رنجبر و ظاهر حیدری

۱- ایجاد «جنبش ملی نه به ته سیگار» برای آشنایی مردم با این زیاله ریز و سمی ۲- آموزش و پخش بروشورهای مضرات ته سیگار به مردم در پارک دانشجو از ابتدای سال تاکنون ۳- جمع آوری ته سیگار در مناسبت های محیط زیستی با همکاری بخش محیط زیست شهرداری ناحیه ۱ منطقه ۱۱ ۴- جمع آوری ته سیگار در محوطه تاتر شهر و پارک دانشجو به مقدار بیش از ۱۰ کیلو ۵- تهیه و برگزاری نمایشگاه عکس از صدمات ته سیگار به طبیعت و جانوران ۶- مذاکرات و نامه نگاری با بخش محیط زیست شهرداری ناحیه ۱ منطقه ۱۱ جهت ساخت و نصب یک جعبه شیشه ای برای دپو کردن ته سیگار و نمایش عمومی از این زیاله سمی ۷- آموزش تفکیک زیاله و آوردن کاغذهای باطله، سر بطری، بطری های پلاستیکی اعضا به انجمن جهت تحویل به بازیافت ۳ مورد

د) کار گروه آموزش خوشنویسی و نقاشی به مسوولیت پدیده هاشمی

۱- آموزش خوشنویسی بطور رایگان در دفتر انجمن توسط استاد خوشنویس برای اعضا ۲- آموزش نقاشی بطور رایگان در دفتر انجمن بطور رایگان برای اعضا ۳- آموزش خوشنویسی و

نقاشی در سرای محله شیخ هادی با همکاری گروه فرهنگی و اجتماعی شهرداری ناحیه ۱ منطقه

۱۱

نم کار گروه امداد سالمند به مسوولیت رضا میرزایی

این کارگروه که به تازگی توسط انجمن راه اندازی شده است برای یاری به سالمندان ایجاد گردیده و می بایست همه موارد نیازهای یک سالمند را خدمات دهی کند و توسط اعضای سالمند انجمن انجام می گیرد. تا به این وسیله هم سالمندان انجمن که طی دوران زندگی به مهارت هایی رسیده اند بتوانند همچنان موثر برای خود و جامعه باشند و احساس بیهودگی نکنند. در ضمن این خدمات به سالمندان داده شود تا نگرانی های آنان از بی پناهی و مورد سو استفاده افراد ناباب جلوگیری شود. خدمات زیر نظر انجمن صورت می گیرد تا هرگونه اشکال و ایراد تا مرحله نهایی رفع گشته و از نگرانی سالمندان بکاهد. انجمن تلاش خواهد کرد مشکلات مالی سالمندان را که اکثرا بازنشسته می باشند در نظر گرفته و اسباب راحتی آنان را فراهم کند. از جمله کارهای صورت گرفته: ۱- رفع ترکیدگی لوله آب و سنگ کاری بعد از آن ۱ مورد ۲- برق کشی ۱ مورد ۳- تعمیر و راه اندازی پکیج ۱ مورد ۴- رفع ترک خوردگی یخچال ۱ مورد ۵- خرید و تعویض دوش حمام ۱ مورد

خدمات رایگان صورت گرفته به ویژه در بخش درمان توسط انجمن مبلغی بیش از ۷۰۰ میلیون تومان می شود که جز همراهی یاران انساندوست امکان پذیر نبود.

از این طریق سپاسگزاری خود را از دکتر سید مرتضی هاشمی پیشگام انجمن کنشگران سالمندی، مازیار گیلانی نژاد دبیر انجمن، مهین صادقی نژاد، مهندس ناصر اسالو، پزشک مرضیه سادات خوشدل، مشاور روانشناسی زهرا محمدی، احمد پیرایی عینک ساز، استاد پدیده هاشمی، وکیل دکتر کیادلیری، فریبرز نوربخش مدیرعامل انجمن مهمان، خانم فرج زاده، وجیه خوشنواز، خسرو رنجبر، طاهر حیدری، رضا میرزایی، حسن مرادی، مرتضی ماشاله پور، بهروز بیانی، مراد آرام، سعیده نعیمی پور، سیف اله نوروزی، محمدرضا قربانی، زهره درخشانیان، احمد قاسمی، سهراب مرگانی اعلام می داریم و امید که بتواند تر از همیشه در عرصه زندگی بمانیم و بتوانیم خدمات بیشتری به سالمندان ارائه دهیم.

دبیرخانه انجمن کنشگران سالمندی ایران

اسفند ۱۴۰۲

گرد ها تمام مرگ ها را تجربه کرده اند...
 مردن با گلوله..
 مردن با اعدام..
 مردن دست جمعی..
 مردن با سر بریده شدن..
 مردن با سرما..
 مردن با گرسنگی..
 اما هرگز از ترس نمردند!
 (جورج ریترز)

« در نظر ما میهن پرستی از مبارزه به سود توده زحمتکش ملت جدا نیست. نمی‌توان وطن را از هموطن جدا و مجزا کرد. وطن خوشبخت بدون هموطن خوشبخت امکان ندارد. هموطن خوشبخت تنها زمانی تحقق می‌یابد که کوشندگان جامعه، مولدین ثروت مادی و معنوی بشر ارزش خود را بدست آورند.»
 زنده یاد احسان طبری



در نگاهت همه مهربانی هاست. قاصدی که زندگی را خبر می دهد. در سکوت
 ات همه صداها، فریادی که بودن را تجربه می کند. احمد شاملو
 ۸ مارس روز جهانی زن شادباش!



سیستان و بلوچستان پاره تن وطن را دریابیم!
خدا نورها چشم براه کمک های ما هستند به یاریشان
بشتابیم.